خرداد ماه ۱۳۴۴ — دورهٔ ششم شماره سوم

ماهنامهٔ

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

«کمونیسم آئین نیست ، جنبش است ؛
مبتنی بر اصول نیست ، مبتنی بر واقعیات است» انگلس

دکتر علی ارانی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

از سخنان جاوید

ارانی در دادگاه رضا شاه

«اگرچه در اینجا ظاهراً مسئله جنائی است ولی واقعاً علاوه بر جنبهٔ درس ، یك میدان مبارزهٔ اجتماعی است که سه طرف (منی یك مدعی ، یك مدعی علیه و یك ثالث بیطرف) نداشته ، بلکه فقط دارای دو طرف است که در یك طرف آن قاضی و مدعی ، دوتائی با هم ، و در طرف دیگر آن ما ، هر یك مدافع منافع یك دسته مخصوص میباشیم . کدام ما حق داریم ؟ تاریخ نشان خواهد داد . . .

«هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود باندازهٔ سوسیالیسم و کمونیسم دامنه یافته باشد کتاب تألیف و باین کثرت انتشار یافته

بقیه در صفحه ۳

چهل و پنجسال

از تأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد

● غرهٔ خرداد ۱۲۹۹ شمسی (موافق با ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰) نخستین کنگره حزب کمونیست ایران در میان پنجهٔ آتش از اعضاء حزب عدالت و دیگر افراد انقلابی تشکیل شد . حزب کمونیست ایران در زمینه خالی پدید نیامد .

از سال ۱۹۰۴ جمعی از ایرانیان مهاجر در قفقاز که در سازمان سوسیال دمکراسی انقلابی «همت» شرکت داشتند به ایجاد حزب سوسیال دمکرات ایران همت گماشتند . حوزه‌های سوسیال دمکراسی در تبریز ، تهران ، مشهد و نقاط دیگر تشکیل گردید . «مراکز غیبی» سوسیال دمکراسی در امر ایجاد جمعیتهای وسیع و توده ای «مجاهدین» (که آزباد مسلح انقلابیون بودند) در تبریز و تهران و مشهد نقش بزرگی داشتند . البته سازمان

بقیه در صفحه ۲

حیدر عمو اوغلی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

آزادیخواه ملی و خفه کردن فریاد عصیان ملتهاست .

مبارزه ملتها ادامه دارد

ما در سالهای ۶۰ قرن بیستم زندگی میکنیم . جهان تکامل یافته است . بسیاری از ملتهائی که تا دیروز اسیر استعمار بودند ، یوغ استعمار را بدور انداخته اند . این ملتها نخستین مرحله مبارزه با استعمار را با موفقیت به پایان رسانده اند و امروز در صدد اند که از فداکاریها و جانبازیهای خود نتیجه بگیرند . استعمار عاری و آنکار ، سرکوب شده است ، ولی استعمار مستتر ، یعنی نئوکلنیالیسم ، هنوز وجود دارد و با تمام قوا در صدد است که این ملتها را در حیطه تسلط اقتصادی و سیاسی خود نگاه دارد . برای این ملتها نئوکلنیالیسم بعنوان شکلی از کلنیالیسم ، بهمان اندازه کلنیالیسم منفور و مطرود است . این ملتها از مزدوران داخلی ، بهمان اندازه دستگردان خارجی نفرت دارند . در هر کشور تسلط علنی و مستقیم استعمار برای ملتها فقط تغییر قدم در راه تحمیل استقلال ملی بوده است ، نه آخرین قدم . بهمین دلیل

بقیه در صفحه ۵

در باره راه انقلاب در کشور ما

توان و شواهد بسیاری نشان میدهد که در وضع کنونی جامعه ما تقریباً کلیه نیروهای میهن پرست و آزادیخواه باین نتیجه رسیده اند که برای خاتمه دادن برژیم کودتا و استقرار یك حکومت ملی ودموکراتیك درایران جاری جز انجام یك انقلاب اجتماعی نیست .

این امر نشان دهندهٔ تحول فکری مهمی در جامعه کنونی ایرانست و بخودی خود عامل بسیار مهمی برای پیشرفت مبارزات آینده مردم ایران بشمار میآید . طبیعی است حزب توده ایران که ازبدو تأسیس خود بتهیهٔ برنامه ، تنظیم مطبوعات ونشریات مخفی‌اش همواره ضرورت و ناگزیری یك تحول انقلابی را بسرای پایان دادن به تسلط امپریالیسم و ارتجاع داخلی خاطر نشان نموده است نمیتواند از حمسول چنین نتیجه مشترکی هرسند نباشد و آنرا گام بسیار با اهمیتی در راه اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیك وتیل بهدف مشترك کلیه میهن پرستان و ترقیخواهان ایران نشمرد .

اگر بهقبول ضرورت یك تحول انقلابی بخودی خود پیشرفت فکری قابل ملاحظه و زمینه محکمی برای مبارزات مشترك آینده است ولی به تنهائی برای

بقیه در صفحه ۴

بمناسبت اول ژوئن روز جهانی دفاع از کودك

نهالهای سر زمین غم

ایران جهنم کودکان است . جهنمی که نهالهای فراوان در آن جوانه میزند ولی قبل از آنکه بشکوفه بنشیند میسوزد . مقامات دولتی ایران سعی میکنند که ۶۰ درصد از کودکان ایران قبل از آنکه بسن ۵ سالگی برسند بمیرند . ۴۵ درصد کودکان هرگز رنگ مدرسه را بخود نمی بینند و ۸۰ درصد کودکان قبل از آنکه دوران نوشاط جوانی خود را آغاز کنند نابود میشوند .

کودك ایرانی از لحظه اینکه چشم باز میکند

شاه و دانشجویان

حادثه ۲۱ فروردین کاخ سرسبز بهانه توطئه علیه دانشجویان شده است . بدنبال این حادثه پنج تن از فارغ التحصیلان انگلستان که در گذشته از فعالین سازمان های دانشجوئی اروپا بوده اند دستگیر و زیر شکنجه های وحشیانه سازمان امنیت قرار دارند . موافق اخبار غیر کوارها ، عده ای دیگر از فارغ التحصیلان خارج که در یکی دو سال اخیر به ایران باز گشته اند باز داشت و تحت باز پرسی ماموران سازمان امنیت هستند . در شورا و سنا ، در دانشگاه تهران ، در روزنامه ها ، در وزارت آموزش و پرورش ، در دانشگاههای شهرستانها اشخاص مختلف بدون احساس مسئولیت ، شرعاً بخاطر خوش آمد شاه

بقیه در صفحه ۶

اظهاریه بروری کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره اعدامهای اخیر

ما باین جنایت تازه رژیم بشدت معترضیم

تهران گرفته شد و بدادگستریهای نظامی مراجعه گردید . اتهام قبل نیز تغییر ماهیت داد و تبدیل به «توطئه علیه امنیت و استقلال کشور» گردید .

● رژیم کودتا در این مواد موافق دستور آمرده ایشمن ایران رفتار میکند که گفت هر چندی یکبار باید خونی جاری شود تا تخت سلطنت محمد رضا شاه استوار بماند . ترور منصور واکنش ملی بچال آمده است که از محرومیت های اقتصادی و اجتماعی و از توهینی که به حیثیت ملی او میشود بعداعلی قضیه است . تا زمانیکه رژیم شاه سیاست خائنانه و جنایتکارانه کنونی را ادامه میدهد ، هرگز از واکنش مردم ایران و

بقیه در صفحه ۷

امریکا در نقش ژاندارم بین المللی

● کنونی که امپریالیسم امریکا ، در جهان پهنه گرفته است ، یك نقش تنگین و ضد بشری است . از کشتار گرفته تا دزدی نام و از دوزخ نام گرفته تا صنعت هوسبازی ، چپاولگری ، تفتگداران و واحد های نیرنگی و هوائی ارتش امریکا ، بقال علم جنایتها و ویرانی کردن وسوزاندن شهرها و دهات مشغولند . صنعت حاکمه امریکا و مطبوعات وابسته بآن ، ایرث جنگ را «دفاع از آزادی» و «فداکاری در راه دفع خطر کمونیسم» مینامند . ولی در حقیقت کاریکه امپریالیسم امریکا انجام میدهد ، چیزی جز سرکوب آزادیهای

ملاحظات لنین در باره گزارش سلطان زاده

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

● فعالیت انقلابی رهبران حزب کمونیست ایران تنها در داخل کشور و بهرهبری جنبش آزادیبخش زحمتکشان ایران محدود نمیشد بلکه برخی از آنان در جنبش انقلابی خاور زمین و در جامعه جهانی اثر فاسیوناك کمونیستی نیز شرکت فعال داشتند . سلطان زاده یکی از این رهبران است . او در سال ۱۹۱۸ (۱۹۱۹) به عضویت حزب عدالت

بقیه در صفحه ۶

بقیه ازصفحه ۱

درباره راه انقلاب در کشور ما

دست بگریبان شده دل آسوده داشت ، باید انقلاب را سازمان داد و باید استفاده ازکلیه شرایط عینی بنفع رهبری امور نمود تا به نتیجه برسد .

برای سازمان دادن انقلاب قبل از هر چیز لازم است جهت عمومی و سمت اساسی کار انقلاب روشن گردد یعنی مفهوم شود که مجموع فعالیت انقلابی ازچه راه وبچه نحو انجام خواهد گرفت . بطور مشخص نخستین سئوالی که در برابر نیروی عاملی انقلابی قرار میگیرد اینست که برقدامتهای حکومت ضد ملی وضد دموکراتیک کودتاکه مظاهر خارجی آن استبداد محمد رضا شاهی است چگونه و از چه طریق باید عملی شود . آیا با توجه بشرایط کنونی ایران این تحول انقلابی میتواند بطور صدفه از راه مسالمت آمیز یعنی با استفاده از امکانات قانونی از قبیل تظاهرات ، اعتصابات ، اعتصابات و تحصینات مطبعی ، مدنه و اعتصاب عمومی سیاسی و لغایر آن انجام گردد و یا باید طریق قهرآمیز اختیار شود یعنی باتوسل باقدامات مسلحانه انقلاب را پاروز ساخت ؟

البته حل این مسئله اساسی چه ازجهت سیاسی و چه از لحاظ سازمانی قابل انکار نیست زیرا هر کدام از دو راه اصول و شیوه های مخصوص بخود دارند و برحسب آنکه این یا آن طریق انتخاب گردد نتیجه اقدامات سیاسی و تشکیلاتی و تمام فعالیت انقلابی باید بطور عمده در آن جهت سیر داده شود . بدیهی است نظر بوضعیت واحدی که برای هر دو راه وجود دارد تاکنون جهات متفرکی نیز این دوراً بیکدیگر مربوط میکند و بطوریکه بعضی از آن تو ناقی انتخاب راه از امکانات راه دیگر نیست . منتها استفاده ازشیوه‌های واقعی که غیر عمده تشخیص شده است دیگر بخودی خود اصالت نداشته و فقط بمنزله کمک برای پیشرفت حل مشی اختیار شده بکار میرود .

شاید در میان نیرو های انقلابی ایران کسانی باشند که مفهوم انقلاب را باقیام و اقدامات مسلحانه یکی بدانند و گمان کنند که انتقال قدرت حاکمه فقط از این راه میسر است ولی این طرز تفکر که در واقع بمنزله مخلوط کردن مضمون اساسی انقلاب (انتقال قدرت حاکمه از طبقه یا طوائفی به طوائف دیگر) با شکل و چگونگی نیل بمقصود است بیشتر از آنجا ناشی میشود که در گذشته اکثر انقلابهای مهمی که در جهان بوقوع پیوسته با توسل بقیام و اقدامات مسلحانه به پیروزی رسیده است . ولی باید باین نکته مهم توجه داشت که برای هر مضمون انقلاب طی مرحله مشخص آن تا حصول پیروزی ثبات بیشتر اشکال مبارزه و طرقی که برای نیل بمقصود بکار میرود برحسب شرایط زمان و تحولات تاریخی تغییر پذیر است و نباید این نمیتوان بانکته اینکه در گذشته شکل عمده مبارزه انقلابی در نقاط مختلف بنحو مبهمی بوده بطور مطلق حکم نمود که در آینده همان شکل مبارزه در همه حال و همه جا صحیح و قابل اعتبار است .

تردیدی نمیتوان داشت که پس از جنگ دوم جهانی تحولات عظیمی در جهان روی داده است . بدنبال سر کوب فاشیسم آلمان وبناپارتیسم ژاپن انقلاب سوسیالیستی در کشورهای سختی پیشرفته وسوسیالیسم که بیش از جنگ منحصرا در اتحاد جماهیر شوروی استقرار یافته بود بصورت سیستم بین المللی در آمد . سیادت وسیطره امپریالیسم برملتها که در نتیجه انقلاب کبیر اکتبر بطلانی خود را دریست داده بود بمراتب محدودتر اساسی گشته وجریان عمومی رژیم سرمایه‌داری را هم صعود کرده است . همین اوضاع و احوال به مردم بسیاری از کشورهای مستعمره و نیمه استعمار که برای استقلال و آزادی کشور های خود برافید امپریالیسم به جرئت و اعتماد بنفس داده و بنتیجه کشورهای متعدد و مهم از جمله چین و کوبا و الجزایر باتوسل باقدامات مسلحانه برضد نیروی اشغال و حاکمیت عمومی دیگر کم وبیش بصورت مسالمت آمیز و یا استفاده از شکلهائی که منتهی بجنگ داخلی میگردید موفق بسرنگون ساختن رژیم های دیکتاتوری و استقرار رژیم های ملی ، دموکراتیک ، مردمی ، ترقیخواه شدند و مقام امپریالیسم و سلطه سیاسی و اقتصادی آنرا در کشور های خود برانداختند . بدیهی است در چنین شرایطی که مشی انقلابی در کشورهای مستعمره و نیمه استعمار بسوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا بمنزله یک مشی عمومی در جریان بود و بسوسیالیسم بین المللی بصورت سیستم در آمده بود و نیروی عمومی دموکراتیک ، کمک نموده و بجریان عمومی سیستم سرمایه داری را بعقب‌نشینی سخت ، بنابر این واضح است که پروسه انقلابی در همه کشور های جهان در شرایط تاریخی تازه ای قرار میگیرد . بدیهی است وجود چنین شرایط مساعدی امکانات و موردهای دیگری برای انقلابات ملی و دموکراتیک که در شرف انجام است فراهم میکند و مبارزات انقلابی نیز در قالبهای گوناگون بروز میکنند و بپیروزی میرسند .

با وجود این نباید انتظار داشت و در کشور ما انقلاب مبارزه و طرق نیل به هدف انقلاب در هر کشور تابع شرایط اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی خاص هر کشور است و در این مورد عوامل بین‌المللی نمیتوانند نقش تعیین کننده داشته باشند .

اکنون باید دید که شرایط و اوضاع و احوال کشور ما نیروهای انقلابی ایران را بکدام راه میکشد . بدیهی است اگر آزادیهای عمومی دموکراتیک (حتی آنچه که قانون اساسی ایران شناخته شده است) در کشور ما وجود میداشت ، رژیم پلیسی سازمان امنیت ، و محاکم غیر قانونی استبدادی بسر کلیه شئون زندگی سیاسی مردم حکومت نمیکرد ، احزاب و اجتماعات و جراید آزاد میبود ، حق انتخاب شدن واقعاً برای مردم ایران وجود خارجی پیدا میکرد و این خیمه شب بازی انتخابات قوانی و ساختگی از بین میرفت ، شاه بر خلاف قانون اساسی و با تکیه به نیروی سرنیزه و پلیس تمام قوای کشور را در دست خود متمرکز نساخته بود یعنی بطور خلاصه اگر بجای حکومت استبدادی کنونی لااقل عمال مترقیوئی که طبق قانون اساسی بدنبال رژیم وسعی ایران شناخته شده است وجود میداشت آنگاه مردم و نیرو های انقلابی ایران مسلماً ترجیح میدادند تدریجا و با تحمل کمترین تلفات و صدمات تحول انقلابی در کشور ما انجام گیرد .

ولی در واقع چنین شرایطی که وجود حداقل آن بمردم ایران اجازه میداد با استفاده از امکانات و حقوق قانونی خود راه تغییر رژیم حتد ملی وامیدوار کنونی و استقرار حکومتی ملی ودموکراتیک بکوشند در نتیجه کودتای ۲۸ مرداد بکلی از میان برداشته شده است . کوچکترین اعتراض یا انتقاد ، کمترین تظاهر جمعی یا تمایلات سیاسی که سرکوب میشود و اتمام حجت علیه سیاست و مقاصد و شیوه های رژیم با تعقیب و حبس و شکنجه و اعدام روبرو میگردد . احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک نه تنها حق فعالیت علنی ندارند بلکه کسانی هم که حتی از دور کوچکترین تمایلی به عقاید و نظرات این سازمانها نشان میدهند باتهام بی پایه و خنده‌آور ملی و اقدام علیه ، سلطنت مشروطه ، با شکنجه گاههای سازمان امنیت و محاکم در بسته و فرمایشی نظامی سرکوب و بیدادگستری بکار رژیم استبدادی بجائی رسیده

بقیه از صفحه ۱

چهل و پنجسال از تأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد

کمونیست ایران را از سال ۱۹۰۶ ، سال پیدایش نخستین حسوزه های سوسیال دمکراسی و مراکز فیبی و سازمانهای مجاهدین آن حساب کنیم .

تاریخ حزب کمونیست ایران را میتوان به سه دوره اساسی تقسیم کرد . دورهٔ اول از کنگرهٔ دوم تا کنگره اروپه (۱۹۰۶ تا ۱۳۰۶ شمسی) دورهٔ دوم از کنگره اروپه (۱۳۰۶) سال مجموعهٔ ارتجاع رضا شاهی و سرکوب سازمانهای کمونیستی و کارگری) دوره سوم از تأسیس مجدد حزب کمونیست و فعالیت گروه موسوم ۵۳۰ نفر تا پایان دیکتاتوری رضا شاه و تأسیس حزب توده ایران (۱۳۲۳ — ۱۳۲۰) .

حزب کمونیست ایران در دوره اول ودوم فعالیت وسیعی داشت و نقش دیگر مؤثری در جنبش رهائی بخش و دموکراتیک مردم ایران ایفاء نمود . تجارب حزب کمونیست در این دوران

بقیه در صفحه ۲

سوسیال دمکرات انقلابی ایران در آن ایام سازمان پکپارچه و متمرکز نبود ولی حوزه های سوسیال دمکراسی در مبارز انقلاب مترقیت نقش فوق العاده مهم و سؤثر بازی کردند . در سال ۱۹۱۱ این سازمان پیامی بمنظور جلب مساعدت بین المللی نسبت به انقلابیون ایران ، خطاب به سازمانهای سوسیال دمکراتیک جهان آروز فرستاد . کنفرانس پراگ بلشویکها در ۱۹۱۲ پیامبعد این پیام اطمینانه ای صادر کرد که در آن از حزب سوسیال دمکراسی ایران یاد و تجلیل شده است . حزب عدالت نیز کننده کار حزب سوسیال دمکراتیک ایران بود . بعضی از سوسیال دمکراتها بعد ها حزب حلبی اجتماعیون عامیون را بنیاد نهادند و این حزب در دوران فعالیت خود با حزب کمونیست ایران همکاری نزدیک داشت .

بدین ترتیب حزب کمونیست ایران بر اساس متن انقلاب مترقیوئیت و سوسیال دمکراسی انقلابی پدید آمد و بنیان گذننده راه سازمانهای سلف خود بود و لذا خطا نخواهد بود اگر ما آغاز تاریخ حزب

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۲

و مردم ، که در حقیقت تلقی جز استبداد شاه علیه مردم چیز دیگری نمیتوان داد .

باین توصیف همچنانکه درتزهای پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز تصریح گردیده ، تمکل حل مسالمت آمیز مسائل حاد اجتماعی را خود رژیم بدست خود ازمیان برده است .

درواقع در وضع کنونی ایران تمام راههای حل مسالمت آمیز بروی مردم بسته شده و از آزادیهای سیاسی و دموکراسی بورژوائی که شرط ضروری برای انتخاب روش مسالمت آمیز تحول است معاملا اثری نیست .

بدیهی است هرگز انقلابیون ایران چنین تصور اشتباه آمیزی را نمارند که گویا شاه‌ها حاکمیت ورژیم ضد ملی و ارتجاعی کنونی که شاه مظهر آنست بیل و ارغاده خود ازاقدرتی که بزور وتدبیرهای امپریالیستهای امریکائی وانگلیسی بدست آورده‌اند عنقریب ترک میکنند و خود راه را برای انجام انقلاب و انتقال قدرت حاکمه بخلق خود میسازند . چنین تصوری ناشی از راه مسالمت آمیز انقلاب درحکم انصراف ازانقلاب است . مگرنه در تاریخ انقلابات ایران نیست که قدرت حاکمه بدون اعمال فشار از طرف نیرو های خلق خود بخود بروی واگذار میشود و ارتجاع دو صفی سرنوشت خود و طبقات حاکمه را بدرم میسپارد و میرود . هیچ انقلابی بدون اعمال زور و فشار تمکل پذیر نیست ولی راه رسیدن آنرا از راه قهر آمیز متمایز میسازد اینست که درمورد اول فشار به هیئت حاکمه بالمباشره از طرق عادی مبارزه از قبیل اعتصاب عمومی سیاسی ، تظاهرات مجلسین و یا اعتصاب عمومی سیاسی و تظاهرات اینموع اقدامات (ولو اینکه اقدامات مزبور درموارد یا برخورد های خونین نیز توأم گردد) اعمال میشود در صورتیکه در مورد راه قهر آمیز هیئت حاکمه در نتیجه مبارزه مسلحانه درموجودیت رژیم بمیرسد خواه مبارزه مسلح شکل قیام ، جنگ داخلی و جنگهای پارتیزانی بخود بگیرد و یابلنکه نیروهای انقلابی موفق گردند در شرایط آمادگی معنوی جامعه حوادث ارتجاعی را فلنگیر کنند و بوسیله یك کودتای انقلابی مزبه بهلکی بروی وارد آورند و حکومت ملی ودموکراسی را بدیطریق مستقر سازند . بدیهی است در صورتیکه امکاناتی برای حل مسئله انقلاب از راه مسالمت آمیز وجود داشته باشد نیرو های انقلابی خلق بایمحالت کشور و یقیم مردم برای جلوگیری از صدمات شدید غونین و تلفات جانی و اقتصادی خود قبلا اجتنابی که بوسیله جنگهای انقلابی طولانی بعهده دارد ترجیح میدهند مدت طولانی تری حوصله بخرج دهند وتدریجا وجود دلشته باشند نیرو های انقلابی خلق بایمحالت کشور و یقیم مردم برای جلوگیری از صدمات شدید غونین و تلفات جانی و اقتصادی خود قبلا اجتنابی که بوسیله جنگهای انقلابی طولانی بعهده دارد ترجیح میدهند مدت طولانی تری حوصله بخرج دهند وتدریجا وجود دا

بقیه از صفحه ۲

درباره راه انقلاب درکشور ما

و تمنیاتی که در تعقیب حوادث اخیر اعمال میشود و عده دیگری از میهن پرستان را بسوگ تهدید میکند نیز نخواهد توانست جریان سیل خروش خشم وغرت مردم ایران ایستادگی نماید .

با اینکه شرایط کنونی اوضاع ایران وسیاست استبدادی و ضد ملی رژیم کودتا راه گهر آمیز انقلاب را بمردم ایران تحمیل میکند و تاکنون نیروهای انقلابی ایران باید خود را برای چنین تاخیر خروشان بر پا فداکاری آماده نمایند نیروهای پیدایش اشکال دیگر پیش امکان تحول مسالمت آمیز انقلاب را در آینده بطور مطلق منتفی دانست .

در واقع چنین پیش آمدی هر قدر هم بمیل بنظر برسد منتفی نیست که در نتیجه تحول اوضاع داخلی و تغییر بلا هم بیشتر تناسب نیروها در صحنه بین المللی و قانونی که جزئیات آن اکنون قابل پیش بینی نیست در کشور ما رخ دهد و حکومت کودتا را وادار بچنان عقب نشینی های مهمی نماید که موجب تغییرات اساسی وکیفی در سیاست و روش رژیم گردد، مثلا اگر در نتیجه تشدید مبارزات مردم ایران و تحول اوضاع بین المللی رعایت اصول قانون اساسی بدولت تحمیل شود؛ سیستم ترور پلیسی سازمان امنیت ومحاکم نظامی برچیده شود؛ آزادی احزاب ؛ اجتماعات سازمانهای حرفه ای صنفی و دهقانی و جرایه (واو درگاهر محدود) شناخته شود ، شرایط انتخابات آزاد تحت کنترل نمایندگان احزاب و سازمانهای دموکراتیک فراهم گردد ، مسلماً امکانات تازه ای برای حل مسائل مربوط بانقلاب ایران بوجود میآید و تاهار نیروهای انقلابی ایران باید در باره راهی که اکنون انتخاب نموده اند تجدید نظر کنند برخی از اقدامات مربوط به راه غیرآمیز (در صورتیکه قبل از وقوع حوادث ترمیمی جزیر انجام شده باشد) میتواند بنوبه خود موجب تشدید مبارزه مردم و ایجاد فشار واقعی برای تحت نشینی رژیم گردد .

البته اینها فرضیات است ولی توجه بآن از این جهت حائز اهمیت است که نیرو های انقلابی را دچار اشتباههای مطلق و سردرگمی در مقابل حوادث غیر مترقبه نمیکند . تجارب اخیر برخی از کشورها و از جمله تاریخ حوادث قبل از کودتا درکشور ما نشان میدهد که چنین امکاناتی را نمیتوان بکلی نفی نمود . نهضت ملی و دموکراتیک ایران درسالهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد موفق شد با استفاده از تضاد بین امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و سردرگمی طبقات حاکمه که تنها نهضت وزیری دکتر مصدق را بمیلش فرمایشی آنزمان تحمیل نماید بلکه صنایع نفت را ملی کند و امپریالیسم انگلستان را با همه قدرت وزرگی شکست دهد . مقاومت و مبارزه مصمم نیرو هائی ملی و دموکراتیک در ۳۰ تیر نیز موفق شد یورش نیروهای ارتجاعی را که شاه درراس آن قرار داشت وبیخوفست بازهمان نخست وزیری قوام شکست ارتجاع را جبران نماید بطور رافد و مجدداً دکتر مصدق را در مقام نخست وزیری منصب سازد .

در هیچکدام از این دو حادثه انتقال قدرت حاکمه بمنافعین کان بورژوازی ملی وخرده بورژوازی بوسیله قیام و اقدامات قیام ساحلحه انجام نگرفت و در واقع جنبش ملی و دموکراتیک با استفاده از امکانات قانونی موجود بچنین نتایجی رسید .

بنابر همین تحلیل و بر پایه این استدلال است که کمیته مرکزی حزب توده ایران در بند ۳۰ تا ۳۱ های مصوب خویش تصریح میکند : « لذا عمل حزب ما باید براساس وجود دو امکان و عمده بودن امکان تکامل غیرآمیز انقلاب در شرایط کنونی بنحوی باشد تا دچار یك چاهگیری نگردیم و بی‌هدف نشود، بنا براساس فوق واضح است که منظور از تصریح این امکان درتصمیمات کمیته مرکزی حزب توده ایران، سست کردن یا نفی ترمیده بودن راه قهرآمیز انقلاب در شرایط کنونی نیست بلکه رهنمود مفیدی است که میتواند حزب ما وسایر نیرو های انقلابی ایران را از پافره ای لغزشها که در نتیجه مطلق کردن یك حکم یا اقتباس یکجانبه از پدیده‌های اجتماعی فرگاه سیاسی و سازمانی بروز میکند باز دارد . بهمین جهت است که کمیته مرکزی حزب توده ایران چه متن قرهای مصوب خود و چه بنا تأیید گزارش سیاسی بحزوری کمیته مرکزی توجه ما را بوجود نکته اساسی در این مورد جلب نموده است .

این نکات بشرح زیرین است :

۱ - تصریح برجسته بودن راه قهرآمیز انقلاب بمعنای نفی فعالیت سازمانی نیست. دخالتین یك سازمان حزبی منضبط و پیکار جو شرط مقدم و محصل ضروری هر نوع مبارزه است .

۲ - تشخیص عمده بودن راه قهرآمیز انقلاب همچنین بمعنای انصراف از شیوه‌ها و اشکال عادی مبارزه برای واداشتن رژیم بعقب نشینی ، مبارزه برای عفو عمومی ، مبارزه برای آزادیهای دموکراتیك ، مبارزه برای اتحاد کلیه نیرو های ضد رژیم ، مبارزات اعتصابی و غیره نیست .

۳ - حزبما باید درعمل خود هم ازاوپورتونیسم (هر پیش گرفتن روش پلیس) وهم ازاوپورتونیسم (توسل بشیوه‌های ماجراجویانه وسکتاریسمی) اکیداً پرهیز کند.

۴ - بررسی دقیق شرایط داخلی وخارجی کشور ما ، داشتن تصاویر کافی ، امکانات صحیح لحظه انتخاب صحیح شعار های عمل ، یافتن مناسبترین شکل عمل قهرآمیز ، مبدل نگردن عمل تنها به نیروی پیشقدمه نهضت از شرایط حتمی یك اقدام صحیح ، بمبارزه و عاری از ماجراجوئی است .

۵ - کوشش در راه تشکیل جبهه واحد کلیه نیرو های ملی و آزادیخواه نه تنها منافی با تصمیم در باره راه انقلاب نیست بلکه از لوازم آمادگی انقلابی بشمار میرود . این کوشش قطع نظر از هر راهی که انتخاب شود همچنان باید بمثابه خط مشی عمومی حزب توده ایران تلقی گردد و فراراه تحقق آن کلیه مساعی لازم و مفید بکار رود .

سرانی آنکه تمام جوانب مسئله بررسی روشن گردد ما در شماره های آینده مردم در باره این مسئله مهم باز هم صحبت خواهیم کرد . کیوان

بقیه از صفحه ۱

ارانی در دادگاه رضا شاه

باشد . . . در موقعیکه در ممالک متمدن ، جایزهٔ نوبل را ، پاس صلح عمومی دنیا ، به یکنفر اسپنگلر که نماینده این افکار بود میدهند ، تنگه‌آور نیست که در این کنج خلوت همان افکار بعنوان اقدام برعلیه امنیت یا مجازات دهسال تعقیب‌شود؟ . چقدر برای یك جامعه ننگین است که طرفداری و تجریدان و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود ! چرا از تجزیه میترسید ؟ . . . مگر اکثریت ملت ایران بشبیت نه دهم و تجزیه نیست ؟ پس چرا تمام قوهٔ شهربانی صرف طرفداران و تجزیه است ؟ این نوع تعقیب و محاکمه واضح میکند که شما نه فقط با توده بخالفید بلکه نیز از آن سخت هراسایید . . . با این ترتیب شما افراد الهویس بقدرت توده میکنید . . . .

«من خودم ، پس از قطع رابطه با محکمه ، قطعاً بواسطه اظهار حقایق ، که لازمه فداکاری و وظیفه وجدانی من است ، دچار همین اشکالات خواهم شد ، ولی چه باك ! . . . وظیفه من در اینجا مهمتر از آن است که بدفاع شخصی خود بپردازم . من وظیفه مالی و وجدانی دفاع جمعی را در دادگاه بعهده دارم . . . »

از متن دفاع دکتر تقی ارانی در دادگاه پنجاه وسه نفر در محکمه جنائی تهران

بقیه از صفحه ۲

چهل و پنجمال از تأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد

همه چاپیه و غنی است و جا دارد این تجارب که تاکنون باعداد، کافی بررسی نشده، کاملا از بندی گردد، حزب کمونیست در این دوران در تهران، کردستان، آذربایجان، خراسان، اصفهان، قزوین، کرمانشاه سازمان داشت. این حزب در بسط نهضت اتحادیه‌های کارگری نقش مهمی داشت. مطبوعات کارگری و انقلابی مانند «حقیقت»، «کار»، «حق»، «پیکان»، «یك»، (منتشره در رشت) و «نصیحت» (منتشره در قزوین) و «شرارت» و «فریاد کارگران این پایین» ومجله «حرف» مرکدام بنوبه خود نقش مهمی را برای بیداری عمومی و بسیج زحمتکشان ایفاء نمودند. اتحادیه‌های کارگری کارگران مطابع، قنادان، صنایع ساختمانی، رانندگان، بادبزان، حلبی سازان، کارگران شیلات و انواع کارگران صنعتی و پیشه وری را تشکیل ساخته بود. بارها نمایندگان سازمانهای کارگری در مجامع بین المللی شرکت کردند و سازمان بین المللی کارگری موسوم به «پرفینترن» وابستگی داشتند. اعتصابات مهم مؤسسات نفتی جنوب درسال ۱۳۰۸ وکارخانه های نساجی اصفهان بوسیله حزب کمونیست رهبری شده است. کمونیستها با ایجاد شرکتهای تعاونی مصرف از قبیل «شرکت تعاونی اتحاد» زحمتکشان را به اشکال مختلف رسیدن و تشکل آشنا مینمودند. کمونیستها در برخی شادروانهای معادی پروری از قبیل «فرهنگ» (رشت) «فرهنگ» (پهلوی) «پرورش» (قزوین) وجود داشتند و با ایجاد تروپهای تآتراتی، تیمهای فوتبال، کلاسهای آموزش سوت کردن یا نفی ترمیده بودن راه قهرآمیز انقلاب در شرایط کنونی نیست بلکه رهنمود مفیدی است که میتواند حزب ما وسایر نیرو های انقلابی ایران را از لغزشها که در نتیجه مطلق کردن یك حکم یا اقتباس یکجانبه از پدیده‌های اجتماعی فرگاه سیاسی و سازمانی بروز میکند باز دارد . بهمین جهت است که کمیته مرکزی حزب توده ایران چه متن قرهای مصوب خود و چه بنا تأیید گزارش سیاسی بحزوری کمیته مرکزی توجه ما را بوجود نکته اساسی در این مورد جلب نموده است .

این نکات بشرح زیرین است :

۱ - تصریح برجسته بودن راه قهرآمیز انقلاب بمعنای نفی فعالیت سازمانی نیست. دخالتین یك سازمان حزبی منضبط و پیکار جو شرط مقدم و محصل ضروری هر نوع مبارزه است .

۲ - تشخیص عمده بودن راه قهرآمیز انقلاب همچنین بمعنای انصراف از شیوه‌ها و اشکال عادی مبارزه برای واداشتن رژیم بعقب نشینی ، مبارزه برای عفو عمومی ، مبارزه برای آزادیهای دموکراتیك ، مبارزه برای اتحاد کلیه نیرو های ضد رژیم ، مبارزات اعتصابی و غیره نیست .

۳ - حزبما باید درعمل خود هم ازاوپورتونیسم (هر پیش گرفتن روش پلیس) وهم ازاوپورتونیسم (توسل بشیوه‌های ماجراجویانه وسکتاریسمی) اکیداً پرهیز کند.

۴ - بررسی دقیق شرایط داخلی وخارجی کشور ما ، داشتن تصاویر کافی ، امکانات صحیح لحظه انتخاب صحیح شعار های عمل ، یافتن مناسبترین شکل عمل قهرآمیز ، مبدل نگردن عمل تنها به نیروی پیشقدمه نهضت از شرایط حتمی یك اقدام صحیح ، بمبارزه و عاری از ماجراجوئی است .

۵ - کوشش در راه تشکیل جبهه واحد کلیه نیرو های ملی و آزادیخواه نه تنها منافی با تصمیم در باره راه انقلاب نیست بلکه از لوازم آمادگی انقلابی بشمار میرود . این کوشش قطع نظر از هر راهی که انتخاب شود همچنان باید بمثابه خط مشی عمومی حزب توده ایران تلقی گردد و فراراه تحقق آن کلیه مساعی لازم و مفید بکار رود .

سرانی آنکه تمام جوانب مسئله بررسی روشن گردد ما در شماره های آینده مردم در باره این مسئله مهم باز هم صحبت خواهیم کرد . کیوان

تنظیم این تاریخ یکی از وظایف مهم حزب ماست . مجله دنیا ارگان تئوریك و سیاسی حزب توده ایران طی پنجسال انتشار خود گام بزرگی در راه روشن ساختن تاریخ سوسیال دمکراسی انقلابی و حزب کمونیست ایران برداشته است. برای اینکه آموزندگان این تاریخ غنی بتوانند بآسانی مقالات و اسناد منتشره در این مجله را بیابند ما فهرستی از آنها را ذیلا بآوریم :

درباره تاریخ سوسیال دمکراسی انقلابی در ایران

«یك سالگرد بزرگ» (مجله دنیا ، شماره اول سال اول) «درباره سوسیال دمکراسی انقلابی» (شماره ۲ سال ۳) «پیرامون نخستین آشنائی ایران با مارکسیزم» (همان شماره) «دستور نامه حزب سوسیال دمکرات ایران» (شماره ۱ سال ۳) «زندگی و فعالیت یکی از درخشانترین مردان انقلابی ایران» (درباره حیدر عمو اغلی . شماره ۱ سال ۳) «نظامنامه شعبه ایرانی جمعیت مجاهدین» (شماره ۳ سال ۴)

در باره تاریخ حزب کمونیست ایران

«یك سالگرد بزرگ» (مجله دنیا ، شماره اول ، سال اول) «از تاریخ حزب کمونیست ایران» (شماره ۲ سال اول) «از تاریخ حزب کمونیست ایران» (گنگره ارومیه) (شماره ۳ سال اول) «نوارهای مصوب کنگره دوم حزب کمونیست ایران» و «برگزاری هفتمین حزب کمونیست ایران مصوب کنگره دوم» (شماره ۱ سال اول) «دستور کار ما»

بقیه در صفحه ۷

انقلاب ایران ، مسئله اهمیت اقتصادی و اجتماعی رژیم کودتائی رضا شاه ، مسئله راه رشد سرمایه داری در ایران ، مسئله روش نسبت به انتخابات در رژیم رضا شاه ، مسئله تشکیل حزب ملی ملی انقلابی و امثال آن مطرح گردید . این تجارب بسیار جالب و کاملا در خورد بررسی است .

حزب کمونیست ایران در دوران سوم فعالیت خود که در شرایط استقرار استبداد رضا شاهی بود توانست بسط یابد ولی در این دوران حزب موفق باشارت ۱۲ شماره مجله دنیا شد که تأثیر عمیق در حیات معنوی ایران داشت. رخنه حزب در میان روشنفکران و دانشجویان از مفتخرات مهم فعالیت وی در این دوران است . در فعالیت دوران سوم شخصیت برجسته ای مانند دکتر ارانی که بدست دژخیمان استبداد رضا شاهی شهید شد شرکت داشت. محاکمه ۵۳ نفر نخستین محاکمه کمونیست ها در تاریخ ایران ، در دادگاه پنجاه و سه نفر دکترارانی وقایع تاریخی خود را ایراد نمود که در ردیف یکی از حالترین دفاعیات انقلابی تاریخ است . همه این ویژگیها دوران سوم فعالیت حزب کمونیست ایران را یکی از مراحل مهم تکامل انقلابی جامعه ایران بدل میکند .

کمونیست های کلیه ادوار مبکاء حزب کمونیست ایران و حتی نمایندگانی از دوران سوسیال دمکراسی انقلابی مانند شادروان سلیمان محسن اسکندری در آیجاد حزب توده ایران درسال ۱۳۲۰ شرکت جستند لذا حزب توده ایران نه تنها ازجهت مبنی خود بلکه از جهت ترکیب خود ادامه کامل جنبش سوسیالیستی انقلابی ایران است و تاریخ شصت ساله در پشت سر دارد .

بقیه از صفحه ۱

نهالهای سرزمین غم

و فرح تاز پهلوی ها نیست که پرسارانس رنگارنگ اروپائی و شاه هنای اختصاصی و تالار هنای مخصوص بازی دارند و وشد هر دندان آنها را ده ها پزشک و پرستار تحت نظارت و مواظبت دارد . آنچه برای ایران نمونه دار است خیل انبوه کودکانی است که مراجعتوار اجتماع ما قوطه وند . گلزارت بحد اعلی اندوهبار قیمه های شکسته ایست که در تپاله دهها ' مرکوهه ' هایی پر گرد و غبار ، در دانه های تاریک و در سیاه چالهای مرطوب کارگاههای قالیبافی بسر میبرند .

موافق آمار تازه اینکه وزارت آموزش و پرورش ایران،مشترنموده (اطلاعات اول‌ورهمن ۱۳۳٤) هرسال از بیش از ۳ میلیون کودک ایرانی که بسن تحصیل میرسند تنها ٥٤٫۱٦ در صد کاندوند بمدرسه بروند و ٤٥٫۸٤ درصد آنها در پشت در مدارس میمانند . سرنوشت این کودکان در انتظار کدوانی ایران چیست ؟

اکثر کودکیکه امکان رفتن بمدرسه را نمیبابند گناهوی وحشی دهات ایرانند . طبق آمار وزارت فرهنگ فقط ۲۷ درصد نوآموزان کشور در دهات بسر میبرند ، درحالیکه ۷۵ درصد مردم ایران را ده نشینان تشکیل میدهند .

اکثر کودکان روستائی بمحض اینکه از آب و گل در آمدند همراه پدر و مادر خود بکار کشاورزی میپردازند و از همان اول کودکی با کار توان فرسا در ده آغاز میکردند . برای نونهالان دهات دنیائی اسفناکه لی کودکی وجود ندارد . او تا خردسال است در گل و لای کوچه بسر میبرد و وقتی هم که بزرگ شد کار فحرما در انتظار اوست . در شهرها نیز هر سال هزاران کودک امکان رفتن بمدرسه را نمییابند . دنیای این کودکان نیز تاریک است ، در اینجا نیز این کودکان آواره صدمه ای برای شاکردی بدکتابها نمیبرده میشوند و عده ای را کارخانه ها و کارگاههای مانی میبلعند و صدمه ای نیز در لجن زار اجتماع ایران غرق میشوند .

کودکان محصل

آمار مؤسسه تحقیقاتی ایران میگوید : از هر هزار کودکی که پای بدبستان میگذارند فقط نیم دیگری از آنها موفق میشوند ٦ کلاس ابتدائی را تمام کنند و اکثر آنها بین کلاسهای ۳ تا ٦ ابتدائی بخاطر فوقانگوی که فقر مهمترین آنهاست مدرسه را ترک میکنند . از هر هزار کودکی که تحصیلات ابتدائی را تمام میکنند تنها ۲٥۰ نفر آنها تحصیلات متوسطه را ادامه میدهند و از هر هزار نفر که مدرسه متوسطه را پایان میدهند فقط ٦۰ نفر آنها قادرند پای بدانشگاه بگذارند .

پس ارزیابی ناکشیدای نخستین دوران کودکی، مدرسه نیز مکانی است که روح حساس کودک ایرانی در آن کشته میشود . برنامه های ارتجاعی و کسل کننده اینکه بر پایه سیاست ضد ملی و ضد فرهنگی تزنیم برای مدارس تهیه شده کام کودک ایرانی را تلخ میکند و روح او را آزرده میسازد . دستگاه‌های فرهنگی کشور بجای اینکه کودک ایرانی را از همان آغاز تحصیل با دنیای بیکرانی علم و دانش آشنا کنند ، هنر زندگی و پیکار بوی بیاموزند ، او را فردی آزاده ، پرشوروست ، جویندهو امیدوار بسازند آواز پاس در کوی او میخوانند و دفتر بدبینی ، خرافات ، نا امیدی و فروتنی در مقابل وی میگشایند .

اینکه هر سال گروهی از دانش آموزان عقب‌مانده میگریزند و میگریزند و آمده که با دشواری موفق به بالا رفتن از ' دریبان پوسیده ۱۲ پله ای ، فرهنگ میشوند ، هیچ کاره ، و مأیوس ، پای درآجمعاه میگذارند ریشه آنرا باید در روش‌نظرت آموزش و پرورش کشور و برنامه های ارتجاعی آن جستجو کرد .

کودکان کار گر

تعداد بسیاری از کودکان که در های مدارس بروی آنها بسته است بسوی کارخانه ها و کارگاههای مختلف کشور روی میآورند . بر مبنی محل عبور دوکل هنگمیکه دانش آموزان را ردیف کرده و دستور میدادند فریاد جاویدید شاه بکشند سن صدها کودک کارگر از ٤ تا ۱۲ ساله را دیدم که در کوره راهها میپویدند و یا بقلم زنی و سفید گری مشغول بودند . کودکان ۸ ساله دختر و پسر را دیدم که کوزه‌ها شده بودند و چشمانشان مورم و سرخ بود و تاب سرفه های خشك آنان در میان گرد و غبار طنین میافکند . یکی از ساکنین اصفهان بمن گفت : «آنچه در کشور ما اروانفر از هر چیز میتوان خرید کار انسان است . خودتان میبینید که چقدر بیکار وجود دارد . درمقابل کار اطفال مزد باز هم کمتری داده میشود .»

مهندس فرهنگوفرنگ روند شاغو ، نیز که موفق بدیدن چند کارگاه قالیبافی ایران شده در رپرتاژ خود چنین مینویسد :

« تا بحال من قالیهای ایران را خیلی دوست میداشتم . ولی وقتیکه از نزدیك دیدم چه کسانی آنها را می بافند دیگر نمیخواهم بقالیهای ایران نگاه کنم . در زیر زمین هائیکه کمترین نوری بر آنها نمیتابد ، دختران دهساله قالیبافی میکنند و در مقابل کار طاقت فرسای روزانه فقط یك لقمه نان و چند ریال پول میگیرند . در یك کارگاه قالیبافی کرمان کارگر بکار مشغول است . از این عده فقط ۸۲۰۰ نفر مرد و بقیه زن و کودکند . آنها روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت در دخمه های تاریك و نمناك کار میکنند تا مزدی در حدود ۵ تا ۱۵ ریال بدست بیاورند .

چندی پیش مدان رنج روزانه دیگر فرانسوی که همراه دو دل بایران آمده بود در یادداشتهای مسافرت خود در باره کودکان قالیبافی چنین نوشت : من بکرات تقاضا کردم یك کارگاه قالیبافی را بدیدم کنم ولی کسی بحرف من گوش نمیداد در عوض به مجبورین خارجی در تهران یك کارگاه تر و تمیز را که مخصوصاً برای نمایش ترتیب داده بودند نشان دادند ... ولی من بالاخره توانستم در اصفهان کارگاههای واقعی قالیبافی را ببینم . در یکی از آنها شش دختر جوان یا البسه ژنده مشغول بافتن یك فرش بزرگ بودند . خلق این شاهکار دو سال طول میکشید و سپس مقدار ثمت آنرا هم بخارج میبردند . کار روزانه این همرهمدان کارگر بدون لحظه ای استراحت دو ساعت طول میکشید و در عوض پول فرانسه ۱٤۰ فرانك قدیم میگرفتند . در ۵۰۰ متری محل عبور دوکل هنگمیکه دانش آموزان را ردیف کرده و دستور میدادند فریاد جاوید شاه بکشند سن صدها کودك کارگر از ٤ تا ۱۲ ساله را دیدم که در کوره راهها میپویدند و یا بقلم زنی و سفید گری مشغول بودند . کودکان ۸ ساله دختر و پسر را دیدم که کوزه‌ها شده بودند و چشمانشان مورم و سرخ بود و تاب سرفه های خشك آنان در میان گرد و غبار طنین میافکند . یکی از ساکنین اصفهان بمن گفت : «آنچه در کشور ما ارزانتر از هر چیز میتوان خرید کار انسان است . خودتان میبینید که چقدر بیکار وجود دارد . درمقابل کار اطفال مزد باز هم کمتری داده میشود .»

مهندس فرهنگوفرنگ روند شاغو ، نیز که موفق بدیدن چند کارگاه قالیبافی ایران شده در رپرتاژ خود چنین مینویسد :

« تا بحال من قالیهای ایران را خیلی دوست میداشتم . ولی وقتیکه از نزدیك دیدم چه کسانی آنها را می بافند دیگر نمیخواهم بقالیهای ایران نگاه کنم . در زیر زمین هائیکه کمترین نوری بر آنها نمیتابد ، دختران دهساله قالیبافی میکنند و در مقابل کار طاقت فرسای روزانه فقط یك لقمه نان و چند ریال پول میگیرند . در یك کارگاه قالیبافی کرمان ملی و کوبیرادر و غیره اشاره میکند و خاطر نشان میسازد که برخورد ما نسبت بهمه قشرهای استثمارگر میتواند یکنواخت باشد زیرا بورژوازی ملی میتواند در تحول انقلابی این کشورها ذینفع باشد .

منظور لنین از این تذکار که « بخش بزرگی از اهالی دهقانانی هستند که بشیوهٔ قرون وسطائی استثمار میشوند» آنستکه هنوز دهقانان در این کشورها بصورت طبقه یکپارچه درنیامده هستند و تسلط کامل فئودالیسم در ده باقی است و لذا مسئله کار با دهقانان و اتحاد آنها با طبقه کارگر باید در این مقطع مورد توجه خاص گیرد . این وضع طرح مشخص برنامه ارضی حزب کمونیست را در درجه اول اهمیت قرار میداد .

لنین در عین حال ویژگی و سطح تکامل صنایع را در این کشورها مورد توجه قرار میدهد و با تذکر « پیشه وران خرده پا — در صنایع » در واقع سطح نازل تشکل اجتماعی پرولتاریا را یادآور میگردد . زیرا این امر خود در اتخاذ سیاست حزب پیشرو نسبت به پرولتاریا اهمیت شایان دارد .

لنین در تجربه گیری خود تصریح میکند که اگر سازمانهای طراز شوراها (ساتیه اجتماعی) در کشورهای آسیائی نظیر ایران پدید آید و یا آنکه حزب کمونیست در این کشورها تشکیل شود ، باید تمام نکات مشروح درفوق را بهنگام پذیرش اعضاء ، تعیین وظائف و اتخاذ خط مشی خود مورد توجه کامل قرار دهند و درباره این مطالب که مطالب اصلیست تمرکز کند و به مشخصی یا مشخص برای آنها بپردازد .

تجارب مشخص حزب کمونیست ایران نشان میدهد که تذکرات لنین متأسفانه چنانکه باید در عمل مورد توجه قرار نگرفت و در ترکیب حزب ، خط مشی آن و تعیین وظائف خاص آن بجهت دوری از تقلید های مکانیکی راه داده شد .

کسروی در باره سوسیال دموکراتهای ایران

« آنان نیك میدانستند که خود کامگی از میان نرفته و تنها نام «مشروطه» نتیجه ای در بر نخواهد داشت و باید نیرو بسیجید و برای نبرد آماده گردید ، نیك میدانستند که اگر مردم را بخود رها کنند ، کم کم سست گردید و از جوش فرو خواهند نشست . »

(کسروی تاریخ مشروطیت - چاپ چهارم - ص ۱۷۵ - ۱۷٦)

ملاحظات لنین در باره گزارش سلطان زاده

ملاحظات برای نخستین بار در سال ۱۹٦۳ در جلد چهل و یکم چاپ پنجم کلیات آثار لنین که در حال حاضر آخرین مجلدات آن منتشر میگردد به چاپ رسیده است . نظر به اهمیت این سند اینك که حزب ما چهل و پنجمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران را برگزار میکند ترجمه عین متن آنرا انتشار میدهیم .

ملاحظاتی در باره گزارش ا. سلطان زاده راجع به دورنمای انقلاب اجتماعی

در خاور زمین :

« ۱) تلاشی و تجربه طبقات فرودستدهقانان بزرگ.

۲) بخش بزرگی از اهالی دهقانی هستند که، بشیوه قرون وسطائی استثمار میشوند!

« ۳) پیشه وران خرده پا — در صنایع

« ٤) تجمعه ، هم سرمایهای طراز کوراها وهم، حزب کمونیست (ترکیب اعضاء و وظائف خاص آن) باید خود را با سطح کشورهای، دهقانی شرق منتشره هماهنگ سازند .

« اصل مطالب همین است . در این باره باید تعمق کرد و به مشخص یا مشخص، پرداخت .

در این ملاحظات لنین تحت عنوان « تلاشی و تجربه طبقات فرودستدهقانان » در واقع به قشربندی داخل این طبقات و پیدائی بورژوازی

بقیه از صفحه ۵

کودکان بی سرپرست

تهران مرکز کودکان ولگرد است . در سایر شهر های ایران نیز بسته به تعداد جمعیت آنها تعداد کثیری کودك آواره وجود دارد . این کودکان یا غالباً پدر و مادر خود را از دست داده اند و سرپرستی

بقیه از صفحهٔ ٤

نهالهای سرزمین غم

تندرانه یا اینکه پدر و مادر آنها قادر به نگهداری از آنها نیستند و کودکانی خرد را بسرعت سپرده‌اند. آنها روز ها در شانب باغ در حومه شهر پرسه میزدند و شبها هرکجا که پیش آید میخوابند. هرچند دستمالی پارچه‌گیهای دوانی در تهران ادعا میکنند که تا کنون بیش از هزار و پانصد « کودک رانگرد » را جمع آوری نموده اند و شهر دار سابق مدتی شعر بود که به همت او « ده هزار کودک بی سر پرست در سرلشر کشور تحت تعلیم و مراقبت قرار گرفته اند » ولی با اینحال تر شهر هزار ایران، هنوز هزارانی کودک بی سر پرست وجود دارد که چون مرغان بی آشیان سر گردانند.

زمستان بلای جانسوزی برای این کودکان است. هر سال دهها نفر از آنها در پشت در خانه ها و دکانها از سرما یخ‌بسته میشوند. عده ای در جریان حوادث مختلف میمیرند و گروه کثیری از آنها مانند پرستو که قبل از وزش باد سرد رو بگرمسیر می نهد هر سال قبل از فرا رسیدن زمستان پای پیاده بجنوب کشور میروند تا از گزند سرما محفوظ بمانند.

اکثر این کودکان غالباً از طرف « دزد ها » کیسه‌های حرفه ای، قاچاقچیان مواد مخدره « دلالهای کابینه کسانیکه بنحوی از انحاء با کارتنها شروع کنند » مورد استفاده قرار میگیرند.

هم اکنون فقط در زندان مرکزی تهران بیش از ٦۰۰ کودک بین ۱۰ تا ۱۷ ساله وجود دارد که ظاهر از طرف سنگلاخ های انتظامی کشور تحت تعلیم و تربیت قرار گرفته اند ولی بر کسی پوشیده نیست که در زندانهای ایران بر سر این قربانیان کودکان چه میآید وچگونه « حاظظین امنیت » آزاین کلمه‌کودان بی گناه دزدان خود و جیب بر های زیردست میسازند.

بعضی‌ازاین کودکان دارای استعداد های شگرفی هستند که متاسفانه اغلب بطور مخفی ظاهر میشود شاید نیست که اگر آنها تحت مراقبت و تعلیم و تربیت صحیح قرار گیرند‌نتایجی شایسته ای برای اجتماع تبدیل خواهند شد.

بچه های سر راهی

سال گذشته‌روزنامه کیهان در شماره ۱۷ فروردین ماه خود نوشت، تعداد اطفال سر راهی در ۶ سال اخیر به ٤۱ برابر رسیده است. روزنامه در تهران ٤ تا ۱۰ طفل را در کوچه ها و گوشه خیابانها رها میکنند. « آمار میگوید هر ماه بیش از ۱۸۰ نوزاد را در خیابانها رها میکنند. »

اخیراً مدیر شیر خوارگاه تهران شکایت کرده بود که توسعه بی حد اکثر گنجایش نگهداری ۵۰ کودک شیر خوار را دارد در حالیکه تعداد کودکانیکه در حال حاضر در شیر خوارگاه تهران نگهداری میشوند بالغ بر ۳۰۰ نفر است. روزنامه کیهان مینویسد :

« هر نگاه ما در گزارش خود میافزاید. گزارش ۸ کلانتری از ۱۹ کلانتری تهران در چهار گوشه شمالی ، شرقی ، جنوبی و غرب انتشار کننده این واقعیت است که تعداد اطفال رها شده در حوزه های کلانتری جنوب بمراتب زیادتر از شمال شهر میباشد. کلانتریهای کلانتری ۱۱ واقع در وصف‌نآباد به غیر شگار ما گفت که بطور متوسط در هر ماه ۵ کودک سر راهی در حوزه استحفاظی این کلانتری پیدا میشود. در حوزه‌کلانتری کلانتری ۷ واقع در خیابان تخت جمشید تاکید کرد که این تعداد از ۲ تا ۹ بچه در مدت هفت سال جلوتر نمیکند. اخیر نگهبانی کلانتری ۱٦ نیز اظهار داشت که‌تعداد اطفال مزبور در حوزه این کلانتری از ۵ کودک سر راهی در ماه متجاوز است.

روزنامه‌نویسکه گزارش‌غیر شگار مانفط از ۸ کلانتری تهران در چهار نقطه شهر حاکی است که مقدوریت کلانتریهای مزبور در هر ماه بیش ۲۰ تا ۳۰ کودک سر راهی پیدا میکنند و بدیهی است که این تعداد تابعیتی از کل اطفال‌سر راهی تهران میباشد.

« ۹۰ در صد کودکیکه سر راهی که بشیرخوارگاه تحویل میشوند یکروزه تا یکماهه اند و مادری یعنی در صد آنها یکماهه اند تا یکساله. معمولا تاثفات نوزادان سر راهی زیاد است و یک نمونه آنها در ده روز اول در شیر خوارگاه میمیرند. . . . »

علت عمده‌اینکه باعث میشود خانواده‌ای جگر گوشه خود را سر راه بگذارد هر آنست که بنده زیر هر کدام اتفاق یکی از این کودکان پیدا شده‌است حاکی از وجود این عامل موحش در اکثر خانواده های ایرانی است.

« این طفل شش روز است متولد شده واسمش را میشوش گذاشته‌ام. پدرش چند ماهی است برای یافتن کار ازخانه‌خارج شده و دیگر باز نگشته است.

خرید و فروش کودکان

قانون لنگین پرده فروشی سالیان درازست که ملی شده ولی شیوه فروش وسطی هنوز در ایران رواج دارد. پدران و مادرانی هستند که از روی استیصال کودکان خود را میفروشند. اشخاصی نیز وجود دارند که بکار معامله « جنس زنده » اشتغال دارند و کالای خود را در داخل و خارج ایران آب میکنند.

سال گذشته مردی بنام فریدون فرخ در آبادان دو کودک خود را بمبلغ ۳۰۰ تومان فروخت. مردی نیز بنام جواد ولیخانی در تهران کودک ۲ ساله خود را با تنظیم سند رسمی بمبلغ ۱۸۰ تومان فروخت. در خراسان شخصی دو کودک خود را با دو بوقانه عوض کرد. او معتقد بود که : بوقانه برای او نفع و بچه پرایش ضرر دارد ». در اوایل پائیز گذشته نیز زنی بنام زهرا فقط در مقابل ٤۰ کوپان قطعه دختر ٤ ساله خود را بمردی بنام کاظم‌وی واگذار کرد.

روزنامه کیهان تحت عنوان « زن و مردی فروشندگان » فروختند ، صحنه خرید و فروش یک کودک را چنین وصف میکند :

« مرد کوری پاتاق همسرش بیازار میوه فروشان بالهی رفت وکودک ۷ ساله اش را بمبلغ ۱۲۰ تومان فروخت. دیروز زن جوانی بالیاس مندرس و کهنه در حالیکه زیر بازوی مرد کوری را گرفته بود وارد بازار میوه فروشان چالوس شد.

در آغوش هر یک ازاین زن و مرد یک کودک خرد سال دیده میشد. در این هنگام مرد کور از دیوار ایستاده بود. دست خود را بطرف دختر ۳ ساله‌ای که زنش نام داشت دراز کرد و در حالیکه گریه میکرد با صدای بلند گفت :

— دخترم را میفروشم. یک دختر برای زنان تلاو ، و دختر کوچک ذکاز پدر و مادرش ایستاده بود و با خواهر دو ساله اش بی‌خیال بازی میکرد.

در اینموقع زنی از میانت جمعی که دور آنها حلقه زده بودند ، خود را به همسر مرد کور رسانده و گفت من حضورم مختر تو را بمبلغ ۱۲۰ تومان بخرم و او را بفرزندی قبول کنم.

این زن که باقر سرور غلامی نام داشت گفت که چون بچه تدارم ایجهت چت کبری را بفرزندی میپذیرم. باقر سرور بلافاصله از کیف خود مبلغ ۱۲۰ تومان پول درآورد و آنرا در مقابل دیدگان حیرت زده حاضرین به قدرت داد.

در اینموقع زن وهسر کوری دخترش کبری را در آغوش گرفتند و شروع بوسیدن سر صورت آن کردند. سپس مادر فرزندش را به باقر سرور سپرد و گفت :

اول او را بخدا میسپارم و بعد بتو ، این فرزند بزرگ من است او تو خواهش میکنم از او خوب نگهداری کنی. . . و دیگر گریه امکان ندارد.

داری که میدیدم میخواهند او را از مادر و پدرش دور کنند بشدت شروع بگریه کرد ، پدر و مادر دختر باصدای بلند میگریستند و تماشاگران نیز که شاهد این صحنه بودند ، گریه میکردند.

باقر سرور سپس دیری را بغل کرد و در حالی که دخترک مرتب گریه میکرد ، از میانت جمعیت دوری رفت.

علاوه بر خرید و فروش علنی کودکان هر سال تعداد قابلی نیز بوسیله دزدان بچه‌ها ربوده میشوند و در بازار های داخلی و خارجی بطور مخفی خرید و فروش میشوند.

« مجله تهران مصور در این مورد مینویسد :

« اگر بچه فروشان در یک قرن پیش میزیستند هیچکس بر سامانه پرسوه شان خرده نمیگرفت زیرا در روزگاری پاتفاق همسرش بیازار میوه خرید و فروش میشوند برفروش کودکهاا دیگر ... »

در ایران تعداد بالند بچه دزدی وجود دارد که دولت تاکنون نتوانسته آنها را کشف کند. بایدد دانست همه بچه‌هایکه‌گم میشوند دزدانم گم نمیشوند واسلد و مدارکی وجود دارد که ثابت میکند آنها را میدزدند و میفروشند و بکار های زشت و قباحتی وا میدارند. مثلا شخصی بنام علی زالی تبا بحال سی بچه را دزدیده وفروخته است. شخص دیگری بنام یوسفی دهها بچه دزدیده است.

طبق آمار های موجود در سلوات اخیر ۷ بلند بچه دزدی درتهران و ۱٦ بلند بچه دزدی در شهرستانها کشف شده است. این بلندها بچه‌ها را میدزدند و به شیخ نشین های عرب میبرند.

بموجب همین آمار در سال ۱۳۱٤ رقم بچه دزدی صفر بوده ولی در سال ۱۳۲۵ به ۱٦۲۳ و از سالهای ۱۳۲٦ ببعد ازدیاد کثیر خود رسیده است. (مجله تهران مصور شماره ۱۰٤۸)

☆ ☆ ☆

دلسوزی زندگی کودک ایرانی دلسوزی حزب الکیوست. کودک ایرانی کسی است که در سرزمین غم میروید. کسی که هنوز دیده بدنیای آفتاب دلمگی نگشوده درزیر رگبار شدیدو بیرحم نابلایمات اجتماع قرار میگیرد و نابود میشود.

برای کودکان ایرانی شیرخوارگاه، باغ اطفال و کودکستانها « مرمانگههای مخصوص کودکان » دفاتر های کودکان « کتابهای مخصوص کودکان » برنامه های سینما و تلویزیون مخصوص کودکان » تاتر عروسکها ، پتیرها ورامام خاص کودکان رویائی علاوتی است. حالا آنکه همه اینها در کشور های مترقی و بویژه در کشور های سوسیالیستی امور عادی و پیش پا افتاده است که بلا استثنا همه کودکان از آنها بهره مندند.

کودک ایرانی ازهمان لحظه‌ایکه چشم‌میگشاید خود را با دشواریهای گوناگون زندگی روبرو میبیند. هر سیاه جسم او را ناتوان میسازد. جهل و بی خبری که چون هاله ای محیط او را در برگرفته دنیای وی را تاریک میکند. ناملایمات بر مدالیتها و ناهنجاری های مختلف اعصاب اورا خرد میکند و مقاومت روحی او را در هم میکوبد.

اینکه اینهمه بیداری یونانی ، بی حوصلگی ، بی خوابی ، بیماری یونانی ، بی حوصلگی ،

بقیه در صفحه ۷

ایروستیا بامریکا اخطار میکند ،

تسلیم‌نشدن یهود روابط با شوروی را وسیله ای برای مجازات دادستان خود در چیلوز

علیه خلقها شمره

روزنامه‌ایزوستیا مینویسد : «اتحادشوروی بی‌چنگم کمک کرده است و خواهد کرد تاآنکه بوی امکان دهد جلوز امریکا را عقب زند. بگذار احدی در واشنگتن تصور نکند که میتوان برای توطئه گری علیه حاکمیت این یا آن کشور ، بعنوان یهود منفعت‌های اتحاد شوروی ، کنار سفید بدست آورد. »

در قرون وسطی جنوبی بیش از دهسال است که یک‌گروه راهزن حکومت میکند ، که مورد بغض و خشم‌مردم است ، جبهه آزادیبخش ویت نام بایست منظور بوجود آمده است که کشور را از وجود این راهزنان پاک کند و اساس یک زندگی نوینی را بنیان نهد. امروزی از این عادلانه در وجود ندارد. دلیل دهسال است که امپریالیسم امریکا ، بعنوان قلدارم بین‌المللی ، از این راهزنان طرفدار پیش آزادیبخش مردم ویت نام حمایت میکند و امروز حکومت پوشالی آنها فقط در سایه سرنیزه وقلدارم های امریکائی بزندگی ادامه میدهد.

در مبارزه دموکراتیک امریکا ، بیکفر جهان پرست دمکرات بنام «بوش» برئیست جمهوری انتخاب شد ، «بوش» که کمونیست بود و تا به کمونیستها بیافه میزد ، اگر در ولی امپریالیستهای امریکائی فقط باین دلیل که «بوش» کمونیست بود و تا به کمونیستها بیافه میزد ، اگر در ویت نام کشور مردمی زندگی میکنند ، که حتی قادرند درباره حکومت خویش تصمیم بگیرند ، او را سرنگون کردند و یک گروه راهزن نظامی سر کار آوردند. قیام امروز مردم ویت نام بایست بنیان دادن سیستم جنوبی راهزنان است. ولی هنوز قیام در مراحل ابتدائی بود که یک سر و کله امپریالیسم امریکا ، این قلدارم بین‌المللی پیدا شد و بنای چندروز پیش در مبارز کلنگدار دریائی امریکائیها وارد این جزیره شدند ، و باز ادعای امریکائیها این بود که کمونیست ها زمام قیام را بدست گرفته اند و اعوام نقشه‌کاران دریائی امریکائی برای جاسوگیری از تسلط کمونیستهاست.

تلاش بیهوده امپریالیسم امریکا

مادهای جهان ، مخصوصاً ملل قاره‌های آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین ، عشقه استقلال ، آزادی و یک زندگی مرفه و راحت سطح زندگی دارا هستند. اگر در این قاره‌ها اندیشه های مترقی بیشتر رشد کرده و پیش می‌افتاد ، ملل زیر دست ، کمونیستی ، ولی زیر دست ، کمونیستی نیز به عشقهای

بقیه در صفحه ۷

علت واقعی مداخله امریکا در دومینیکن

در سال ۱۹٦۲ امریکا ۲۵۰ میلیون دلار در دومینیکن سرمایه‌گذاری داشته‌است مسلوت پرتوریکو شوکرکمپنی، فرابیکتور مهمترین سرمایه گذار امریکائی است پس از آن‌نوبت به «آلومینیوم کوربیرین آف‌آمریکا» میرسد و سپس «بوداید کوت کمپنی» بانک معروف « فرست نشنل سیتی بانک » در ساندا دومینیکو شعبه دارد. دفاع از این سرمایه‌های امریکائی است که جنسن را بمداخله در دومینیکن واداشته است.

آزادیبخش ملی ، فقط بمنظور تحصیل جواز برای پمپاژ و خون کشیدن آنهاست.

سال گذشته هنگامیکه امپریالیستهای امریکائی و بالویکی و انگلیسی تصمیم بمداخله آشکار و اعزام قوا به کنگو گرفتند ادعای آنها این بود که ارتش آزادیبخش ملی کنگو یک ارتش کمونیستی است. زیر همین عنوان موسی چومبه ، قاتل پاتریس لومومبا و خائن کنگولی بعنوان نخست وزیر بر این کشور مستعمره تحمیل شد. « هواپیماهای امریکائی وارد کنگو شدند ، چتربازان بلژیکی از یک پایگاه انگلیسی به براتوایل اعزام گردیدند و گروههای مزدور بقتل عام مردم بیگناه کنگو آغاز کردند. در کنگو مبارزه با کمونیسم فقط ستار مداخله امپریالیستها برای حفظ تسلط بر منابع گرانبهای اورانیوم و سرب کاتانگیزه مردم کنگو میخواستند و میخواهند که از این مظلم بقتع کشور زجرکشیده و عقب‌مانده کنگو استفاده شود. امپریالیستها میخواهند همچنان آن مدلیع را در اختیار خویش داشته باشند. اصل مطلب این است. ولی امپریالیستها این واقعیت را زیر حجاب مبارزه با کمونیسم مخفی میکنند.

در ویت نام و سنت دومینیک هر دو جریان بهمین قرار است. اصولا امریکا در ویت نام جنگلار دارد ؛ ویت‌نام کشوری است که هزاران کیلومتر از مرزهای امریکا دور است. در این کشور مردمی زندگی میکنند ، که حتی قادرند درباره حکومت خویش تصمیم بگیرند.

بقیه از صفحهٔ ۱

امریکا در نقش ژاندارم بین المللی

مبارزه ایکه امروز جریان داشت امروز هم جریان دارد.

استعمار نوین زیر پرچم ضد کمونیسم

امپریالیسم امریکا سعی دارد هر جنبش استقلال طلبانه و ترقیخواهانه ای را در سراسر جهان ، با جنبش کمونیستی پیوند کند و زیر پرچم آنرا ضد کمونیسم قلمداد و خنثی کند. ولی آیا واقعاً تمام جنبشهائی که امروز در قاره های آسیا و آفریقا و امریکای لاتین وجود دارد و هر روز بشکلی و در گوشه ای شعله ور میشود ، جنبه کمونیستی دارد؟ بدون تردید کمونیستها و طرفداران ترقیخواهی و استقلال طلبی در سراسر جهان هستند و هر جا که کمونیستی وجود دارد از جنبش ترقیخواهانه و استقلال طلبانه زمان آغاز حمایت میکند. ولی نزدیک کمونیستی نیز به عشقهای

بقیه از صفحه ۱

شاه و دانشجویان

و جلب نظر دولت ، دانشجویان را مورد رشت ترین حملات قرار داده‌اند و مدعی تأیید اقدامات ضد دانشجوئی دولت ، خود نیز دولت را در جهت فشار بیشتر بر دانشجویان ارائه طریق میکنند . در مرکز این مجعل ضد دانشجوئی ، طرح وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته که بموجب آن گویا باید از اعزام دیپلمه‌ها بخارج از کشور جلوگیری شود و فقط عده معدودی از صاحبان تحصیلات عالیه آنهم ، بدعوها اگر و مگر حق ادامه تحصیل در خارج را داشته باشند . برای کشف پشت‌پرده سیاه ، علت حسّاسیتی و تشکیه عده‌ای از تحصیلکرده‌های اروپا و اصولا علت اعتقادجوئی شد نسبت به دانشجویان لازم است به گذشته بر گردیم .

چرا شاه دانشجویان را دشمن خود میداند ؟

پس از شهریور ۲۰ فرد رضاخان کاخ استبداد رضا شاهی ، موازات بسط مبارزات ضد ملی و طبقاتی رژیم مخلوع علیه ارتجاع و استعمار ، دانشگاه تهران پایهای مبارزات ضد استعمار ، مبارزهٔ پی امان بود . علت جلب سریع دانشجویان به مبارزات استقلال طلبانه و آزادیخواهانه مردم روشن است . دانشجویان اکثراً منطق به طبقات زحمتکش اجتماع ما هستند که از محرومیتهای فراوان مادی و معنوی رنج میبرند . دانشجویان به علت آگاهی بیشتر به حقوق خود ، کمتر به زور و قلدری و اطاعت محض تن در میدهند . در دوران پس از جنگ ، شور انقلابی دانشجویان در اغلب کشور های که در شرایط مشابه کشور ما بوده‌اند موجد تحولاتی در اوضاع این کشورها شده و این تحولات بنوبه خود الهام بخش مبارزات دانشجویان ایران علیه ستم امپریالیسم و ارتجاع داخلی بوده است . بنابر این عجیب نیست اگر در ۵ سال اخیر دانشجویان در کلیه مراحل مبارزه همراه و همپای ملت خود بوده‌اند . شاه هرگز فراموش نکرده است که دانشجویان در اثناء تهاجم کلیه طبقات خائنانه وی علیه نهضت ملی ایران سهم بر جسته‌ای داشته‌اند .

شاه امیدوار بود که با اجرای کودتای خائنانه ۲۸ مرداد مدعی سرکوب جنبش مردم ایران دانشجویان را زیر آرام ، خواهد ساخت . اما با آنکه کودتای ۲۸ مرداد تحت ساعات و تاریخ بیاد گرفته ، امنیت و آرامش ، برای وی تأمین نکرد و جرئت یکی از تحسین فرماندهان علیه کودتاچیان مزدور از دانشگاه بر خاست که در جریان آن سه تن دانشجوی شهید ، بزرگ زاده ، شریعت رضوی و فرخی هدف گلوله قاتلین قرار گرفتند و باطل رسیدند . مبارزات دانشجویان علیه کودتا چنان شدت داشته که دکتر اقبال از صنعت درخشان مبارزات دانشجوئی در ایران است . با آنکه در جریان این مبارزات بار ها دانشگاه مورد اشغال وحشیانه نظامیان شاه قرار گرفت و فقط طی یکماه سه بار دانشگاه تعطیل شد و صد ها تن از دانشجویان به زندان افتادند و جمع کثیری مجروح و مسموم شدند ولی دانشگاه از پا نشست و نشان داد که هدف از تسخیر دانشگاه مبارزه علیه رژیم استبدادی شاه بانی خواهد ماند . مبارزات دانشجویان در دوران جنگ ضد آلمان و دکتر مصدق حسّاسیتی خاص دارد و شاید بیمناسبت که نه زور و تزویر و نه وعده و وعید قادر به تسلیم دانشجویان نیست .

بسط مبارزات دانشجوئی بخارج از کشور

برقراری رژیم تزور و اختناق و از طبقت وضع امکانات مساعد مبارزه در داخل کشور ، موجب شد که دامنه مبارزه علیه رژیم بخارج از کشور بسط یابد . دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و امریکا که در تبریدی گلوله های شاه بودند و به علت نزدیکی با سازمانها و ارگانهای بیرت المللی بهتر میتوانستند افکار عمومی جهان را در جریان جنایات رژیم خونخوار شاه قرار دهند ، ضمن تشکیل سازمان های خود بمبارزه وسیع علیه رژیم پرداختند . درانعقاد دومین کنگره کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا تصریح شد که : « دانشجویان ایرانی در اروپا به خود را از برادران دانشجوی خود در داخل جدا میدانند و نه مبارزه خود را مبارزه جداگانه و مستقل از دانشجویان» دانشگاههای ایران مبارزات صنفی و سیاسی همین دانشجویان در ایران بلا فاصله تأیید و حمایت فعال قرار میگرفت .

عکس‌العمل رژیم در برابر مبارزه دانشجوان

برای شاه که ارتش و شهربانی و سازمان امنیت در اختیار داشت مقابله با دانشجویان در داخل کشور آسان تر بنظر میرسید . علاوه بر آن شاه چنین مصلحت دید که صرفاً در ضرب و شتم و زندان و شکنجه ، در راه ورود جوانان بدانشگاه موانعی ایجاد کند و نیز با وضع شهریه‌سنگین دانشگاه را در انحصار طبقات ثروتمند درآورد که سود خود را در راه مبارزه میدانند . بایستی‌نظور سنگینی در امتحانات ششم متوسطه و نیز مسابقات ورودی دانشگاه آغاز شد ولی رژیم بجای آنکه باین سنگینی اعتراف کند مدعی شد که جوانان اکثراً بسیوادند و صلاحیت تحصیلات دانشگاهی ندارند . اما فروغکو کم حافظه است ، در همین جلسه اخیر در میان چاو و جنجالی که علیه دانشجویان بوقاء افتاده چهاشاه صاحب مجبور بود این اعتراف شده است که : « تاکنون راه مناسبی برای انتخاب دانشجو درنظر گرفته نشده است . بعلت هجوم دیپلمه ها بدانشگاه ما مجبور شدیم که در ۱۸۰۰۰ داوطلب ۲۰۰۰ نفر بیشتر انتخاب نکردیم» و سلون دانشگاه تهران میگوید : « برای کاهش شمار قبولی داوطلبان از یك دانشجوی رشته ادبی ، لیسانس و یا متخصصان دیگری از این قبیل بعمل میآمده است» . در مورد اعمال شهریه سنگین ، از دانشجویان ، سناتوریس فر محقد بودند که : « با وضع شهریه از ازدحام جوانان در پشت درهای دانشگاه کاسته خواهد شد و اگر دانشجوئی پول زیاد پرداخت دیگر به فریاد زدن و اعتصاب کردن نمیپردازد» . اما عکس‌العمل رژیم در برابر مبارزه دانشجویان مقیم خارج که از حیطه قدرت شاه بدور بودند در مراحل مختلف ، اشکال مختلف بخود گرفت . نخست شاه کوشید سلوسانه با دانشجویان از در مهر و محبت در آید و از طریق ایادی خود ، ارتشبد زاهدی‌ها و جهانگیر تفضلی‌ها ، سازمان‌های دانشجوئی را تحت نفوذ خویش در آورد . سال ۱۳۳۸ شاه ارتشبد زاهدی را باروپا فرستاد . وی به اسکندر کلوی های اروپا سفر کرد و ضمن ملاقات با نمایندگان دانشجویان اعلام نمود که «سازمان دانشگاهی دانشجویان در وجود آمده تا بخواستها و مطالبات دانشجویان رسیدگی کند . برای آنکه دانشجویان را تحت تأثیر تبلیغات گمراه کننده رژیم نگاه دارند ابتدا تقاضای ما سود شد همه هفته یك شاه ایرانی را در روزنامه ایران را رجعاً بدانشجویان بفرستد و سپس سازمان امنیت خود بانشار اوراقی بنام روزنامه دست زد . در آن دوران شاه ضمن سفرهای خود باروپا و امریکا میکوشید تا با نمایندگی غوغوسیلیه دانشجویان ، با یا خود بر سر مهر آورد و آنقدر از مبارزه علیه رژیم منصرف سازد . این حیله‌ها مؤثر واقع نشد و بموازات تشدید تفکر در داخل کشور ، مبارزه در خارج اوج میگرفت . در همان روزها یك روزنامه فریبای نوشت : «متأسفانه صبغه ای از جوانان تمام خواطب و مهربانیهای شخص اول مملکت را از بدبردهاند باید بانها گفت ، شعرا انصاف دیگه که در فرمان بری» . اما فرمانبری ، از شاه مظهور قیام و قیامی کار جوانان آزاده ایران نبود و از این زمان سیاست تضییق و قشار جایگزین خواطب دروغین گردید .

در سال ۱۳۳۸ برای اولین بار هیئت جاوسوری از اعزام دانشجو به خارج ساز شد و مبتکر آن سر پرسنل‌های محصلین اروپا و نیز رئیس دانشگاه بود . رئیس وقت دانشگاه مدعی شد که از محل کلی هزینه تحصیلی دانشجویان بعنوان ظرف ۵ سال ۵۰ دانشگاه مدرن ایجاد نمود» در روزنامه اطلاعات اقدامی تحت عنوان «تکمیل دانشگاه با اعزام دانشجو» طرح شد . در این باره اظهار نظر های مختلف بسی آمد اما واقعیت آن بود که دولت نه میتوانست راه اعزام دانشجو به خارج را سد کند و نه میبرازات آنان در خارج از کشور جلوگیری نماید . از اینجهت تصمیم گرفت با بسط شبکه سازمان امنیت در خارج از کشورهای دانشجوئی مخالف رژیم فام گسترده کند .

وزارت امور خارجه به شعبه‌ای از سازمان امنیت تبدیل شد و سر و کله زیباها ، امیدی ها ، صالحی ها و آیرملو ها بعنوان دبیر و کارمند در سفارتخانه های ایران مرکوبیا سیر شد . اینها مأمور بودند که مردم‌ها ول با تهدید دانشجویان و جلب همکاری پلیس کشور های اروپائی مانع از مبارزه دانشجویان شوند و مردم‌ها عوم برای دانشجویان ، مزاحم ، پرونده سازی کنند و آنقدر با پلیس باز گردانند . فعالیت سازمان امنیت در اروپا و امریکا ، با آنکه برای دانشجویان مشکلاتی فراهم آورد « اما عواقب مبارزه آنقدر کاهش دهد . مأموران سازمان امنیت موفق به جلب همکاری پلیس برخی از کشور های اروپائی از جمله پلیس آلزیش و آلمان غربی شدند و پلیس این دو کشور بار ها برای دانشجویان ایرانی مزاحمتهائی فراهم آوردند و آنقدرا تعریف و زندانی در آلمان غربی جای محاکمه نمودند . آخرین شیوه سعد هفتگی « کریسمال » منتشره در آلمان غربی در ۱۹ آبان ۱۳۳۸ بقلم کنت مرتیپ مدعی شد که در آلمان غربی ۳۸۷۶۵۳ تلفن کنند سرتیپ عاوی کیا مأمور سازمان امنیت ایران که مقیم کلن است او به پلیس خواهد شد » مجله مینویسد : « سازمان امنیت ایران موفق شده در موارد پلیس کشور های اروپائی را بهمکاری جلب کند . مثلا پلیس آلمان غربی ، در گذرنامه دانشجویانی که در مظاهرات ضد رژیم شرکت میکنند مهر میزند و بدین ترتیب مقامات ایرانی میتوانند بسهل دیدن گذرنامه ، بسادگی تشخیص دهند که کدام دانشجو فعالیت سیاسی ضد رژیم داشته است» علاوه براین سازمان امنیت بافتر گذرنامه دانشجویان و یا ضد تمدید آن ، مشکلات تازه ای برای دانشجویان فراهم میکرد . با اینهمه مبارزه علیه رژیم شاه همچنان ادامه یافت . سازمانهای دانشجویان هر روز گوام پذیرفت و برشماره دانشجویان مخالف رژیم روز بروز افزوده شد . شاه از فرت دانشجویان در امان نبود و هر چمن این فرت در مسافرتهای تفریحی او به اروپا و امریکا به جلش میرفت .

رژیم شاه در کمین یك فرصت

شاه (مدتها) پیش در کمین فرصت بود تا از دانشجویان انتقام بگیرد . آنهمه اقدامات تشویقی کافی بنظر نمیرسید زیرا بهیچ طریق نتوانسته بود در مبارزه دانشجویان عدول ایجاد کند . شاه که میخواست با هروج و مرج ، در اذهان جهانیان برای خود کسب حیثیت وامعبار کند نمیتوانست تحمل کند که اشاگریهای دانشجویان تمام رشته‌های آنها را پنبه سازد . شاه مسئله کاپیتان خودرا بهراه‌انداخت تا باوعده های فریبنده جوانان فارغ‌التحصیل را بهایران بکشاند و هنگامیکه در ایران ، فرمانروبود شبکه سرتاسری سازمان امنیت اسیر شدند ، تکلم های خود را از میان گیرد . تصادفی نیست که چند روز پس از حادثه کاخ مرمر که عامل آن جابجا کشته شده و امکان کشف علل حادثه تا ممکن کشته است تا کلهان رژیم جنایتکار شاه بکر دوره برداری از این حادثه فارغ التحصیلان انگلستان را تابها به این دلیل که گویا یکی در هر آنان آشنائیهای چند درجه‌ای با عامل دانشدانه دستگیر میکند و مجرم میپنداید ، این دلیل مست و بی پایه و فاقد مبنای قضائی است . زیرا اگر آشنائیهای چند درجه‌ای دلیل شرکت درجرم باشد باید بایستی همه جرم و دلیل جرم شد نظر فقط بدلیل آنکه به دفعه آشنائی داشته اند دستگیر خواند و در اینصورت دیگر برای کسی امنیت باقی نمیماند . مضحك اینجاست که بدنبال این مسخره سازی رسوا عده ای مست نشانده رژیم در مینا و شورا و مطبوعات شروع به تاخت و تاز اموده و این مهمین را جوجین سام قلمداد میکنند . جمشید اعلم منتن سناتوانی از دولت رئیس وقت دانشگاه مدعی شد که اجرا در حوالت ۲۱ فروردین ۴۴ دعات دانشدانه تحت مراقبت بوده اند یا خیر و چطور در هارسنتر صدقی استاد شده اند اساساً مطلوبیت بموجب رای کدام محکمه دعات این جوانان در حادثه ۲۱ فروردین مجرز شده است . یك رژیم مجعول و مستبد و آزادی کش مدعی است که اینها مقصرند . آیا میتوان لحظه بصرف این ادعا متهمی را مجرم شمارید ؟ جمشید اعلم با نگرانی میپرسد آیا اینفاشته مراقبت بوده اند ؟ برای اطمینان خاطر سناتور تحقیقی تمدنی از اطلاعیه کمیته دفاع از فارغ التحصیلان زندانی را در اینجا نقل میکنیم :

« هر پنج فارغ التحصیل از تحصیلین لحظه ورود خود به ایران تا زمان دستگیری شان تحت نظر و مراقبت شدید مأموران سازمان امنیت بودند . اگر ما آنان در پیدا کردن مشاغل خود به مشکلات و موانع گوناگون بر خورد کردند و بعضی از آنان حتی تا این اواخر بیکار بودند و یا کار مناسبی نداشتند . بنا بر این خاطر جمشید اعلم آسوده باشد که مأموران سازمان امنیت بیکار نشده اند و درست حاصل همین فعالیت دائم گمراه آنهاست که امروز این جوانان به زندان های جهانمی شاه کشیده شده‌اند .

اما فکر بکری که برای جلوگیری از مبارزه دانشجویان ، بخاطر اولیای امور رسیده است بنوبه خود علیل و سخیف است . اینها میخواهند حتی حق تحصیل را ازدانشجویان سلب کنند تا بدانا آنها ضمن تحصیل در خارج ، دست بمبارزه ضد رژیم بزنند . اطلاعات مینویسد : « دیگر فقط کافی است و باید در فکر چاره بود » و راه چاره را چنین تشخیص داده اند که مانع لازم‌ست جوانان بخارج نشود . ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر میگوید : « هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترك کند یا به کشوری بازگردد » بنابر این حق دولت بهیچ عنوان نمیتواند اجازه جوانان را در چهار دیواری کشور زندانی کند و مانع از تحصیل آنان در خارج شود . ادعای دولت مبنی بفراهم ساختن وسائل تحصیل جوانان در ایران دروغ و پوچ و بی‌اساس است . دانشگاه های کشور باعتراف مسئولین دانشگاه سالیانه فقط قادر به جذب ده در صد داوطلبان هستند وتود در صد بقیه پشت در دانشگاهها میتوانند . جهانشاه صالح رئیس دانشگاه تهران میگوید : « رجال حاضر دولت ازبودجه دانشگاه پنج در صد کمتر کمرده است و ما حتی امکانات سلنی را هم از دست داده ایم » و سرتیپ صفری سرپرست دانشگاه تبریز درباره دانشگاههای شهرستانها چنین اظهارنظر میکند : « ایجاد دانشگاهها درشهرستانها بصورتی گرفته است؛ زیرا هم اکنون دانشگاه های شهرستانها از نظر کمبود کادر و مسائل دیگر مشکلات بسیار زیادی دارند . . . بنا بیك چنین سیستم دانشگاهی محدود ، ناقص و معیوب است که شاه میخواهد ازتحصیل جوانان درخارج جلوگیری کند .

✿ ✿ ✿

شاه هر چه کند قادر نیست جوانان دانشجو را تسلیم وادارد . دانشجویان ایران مبارزان پرشور و پرتوان رژیم ، تحمل سیاهکاریهای رژیم فاسد شاه را ندارند . آنها نمیخواهند قبول کنند که در عصر رهائی انسانها کشورشان فرصت تاختوتاز یك رژیم فاسد و مستبد و دست نشانده استعمار باشد . آنچه جوانان میهن ما را به مبارزه علیه رژیم کودتا برمیانگیزد اوضاع آشفته و پریشان کشور ماست . و این مبارزه بطور قطع راه برانداختن این رژیم و ایجاد یك حکومت ملی فاسد بافت و هیچ مخالفتی که مخالفان راه آزادی و استقلال ایران را از ادامه نبرد باز نخواهد داشت .

عطارد

رادیو پیك ایران

همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۱۹ - ۲۵ - ۱۶ - ۲۰ متر برنامه پخش میکند .

شنیدن مرتب این رادیو وظیفه هر فرد وطنی و هر میهن پرست ایرانی است .

شماره ۲ (۱۴) نشریهٔ «مسائل بین المللی» از چاپ خارج شد

بدست آوردن و مطالعه آنرا به نمایندگان توصیه میکنیم .

بقیه از صفحه ۸

درباره یك خبر مجعول

است . تحلیل های حزب ما در این زمینه روشن است . اما اینکه آیا چنین مطالبی را ممکن است کانی نوشته باشد یا آنکه ما کاملا و مافقا اشتباهی که بوده این خبر داشتیم به حقیقت مخالف شوروی برنامه گردیم که قطعاتی از این قبیل تیانیم بلکه مطالب عکس آن موجود بوده است ٦٦ فوریه که نویسندگان مقاله « سوسیالیسم » آنرا منتشر برای جلوگیری از تاثیر نامه فاشیسه لغه مقاول با خصیت سالم است و مشخات است که در چنین موقعی کانی ایران یا یك کشور طرفدار بطوانی مثبت بخوانند ! اما در اوایل آوریل ١٩٦٥ بمناسبت سیزدهمین شورای شوروی در مجله « عصر جدید » مقاله‌ای نشر یافته که سیاست خارجی ایران را طور دیگر توصیف کرده و آنرا بهمان نحو شرح‌داده که موافق با واقعیت است. یعنی ایران را یك کشور طرفدار بطوانی مثبت بخواند ! مقاله دارای ۱۲ صفحه است . مگر اینکه بگوئیم اعلامیه کانی در ٢٦ فوریه ایران را بیطرف بخواند و مجله « عصر جدید » ٦ آوریل بار دیگر آنرا هنوز بلوك و تابع امپریالیسم بشمارد ! ! !

ماهنامه «مردم»

بقیه از صفحه ۳

جهل و پنجال از تأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد

حزب کمونیست ایران» (شماره ۱ سال ۳) «یا نامه فرقه اشتراکیون» (شماره ۱ سال ۳) «خاطراتی از حزب کمونیست ایران» (شماره ٤ سال ۳) «دفاع دکتر ارانی (شماره ۱ سال ٤) «دکتر تقی ارانی» (شماره ۳ سال ٤) «چرا پیکار در آلمان توقیف شد» (شماره ٤ سال ٥) «پیکار چگونه توقیف شد» (شماره ٤ سال ٥) ضمیمه روزنامه «لموریك در باره انتخابات دوره پنجم» (شماره ٤ سال ٦) ا. س.

پیروزی درخشان کشتی گیران ایران

کشتی گیران ایرانی با بدست آوردن سه‌مدال طلا و دو مدال نقره و یك‌مدال برنز در المپیك مکزیکو جهان بدست آوردند . پس از سال ١٩٤٨ که اولین کشتی گیران ایران در مسابقات جهانی شرکت کردند این دومین پیروزی درخشان تیم کشتی ایران بود . پیروزی درخشان قهرمانان پرافتخار ، اعتلای روزنامه های دولتی و رادیوهائی را که در ایران در راه تربیت نسل جوان و کسب افتخارات ورزشکاری آن میکوشند ، تشویق نمیدهند . فقر و سرمایه و بیکاری ، ابتلاء بیماری ، سرخوردگی و سقوط و انحطاط - آن چیزی است که رژیم موجود برای نسل جوانان ببار آورده و گروه پوشی و زورپوشی در سازمانهای ورزشی ، ایجاد مراکز فساد بنام باشگاههای ورزشی بدست چاقو کشان و قماره بندهای شلاقی - آن محیطی است که رژیم برای ورزشکاران پرجوه آورده است .

پیروزی درخشان کشتی گیران ایرانی درمیدان المپیك نشان داده است که استعداد های نهفته ایرانی که اگر در شرایط خوب و در هر شرایط خود را بمظاهر بیاورد ، میدان ورزشی را بورزشکاران بزرگ جهان خود ارجمند ثابت میکنیم

اعتراض کنفرانس بین المللی زنان به دولت ایران

از دوران یکم تا شصم خرداد امسال ، در کاخ جمعیت سازمان ملل متحد که سال ١٩٦٥ را سال همکاری بین المللی اعلام کرده است از طرف زنان از طرفداران صلح و شعم جمعیت جهانی صلح و آزادی در آلمان غربی خلسان تشکیل شد .

این جلسات در شهر های « هامبورگ » ، « ایران روابط ایران روابط ارباب - رعیتی عملا باقی است . دوم آن که تنها با اجراء اصلاحات هم وضع فلاکت بار کارگران شهری ایران نمیتواند سنجوره‌ای از آن روابط « همانند » و « کمك » های مخالفانی باشد که تنها خوب آنرا برای روستائیان دیده است .

بقیه از صفحه ۱

اظهاریه بوروی کمیته مرکزی

مجلد کشور ما در امان نخواهد بود . اعضوت دادگاه عالی و تاریخ در باره میلیارد ترور منصور با عضوت دادگاه تلفوت مقوی دارد . ما بوروی خود و پیام حزب توده ایران باین جنایت ننگ رژیم کودتا بشدت محترضیم و آزادی کلیه زندانیان سیاسی ، رژیم دار ، جور و ستم فلا میطلبیم

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۵

امریکا در نقش ژاندارم بین المللی

است به این دلیل است که حکومت های سوسیالیستی که تنها با آمال مال ایفت . فقره ها مخالف ایستند ، بلکه با تمام قوا از آن حمایت میکنند . مطابقا اگر در این قاره ها مخالفت با امپریالیسم امریکا و قدرت از آن روز بروز رشد میکند بطور اساسی باین دلیل است که امریکا با آمال مردم این کشور مخالف است و با تمام قوا با آن مخالفت میکند . تکامل حوادث در این قاره ها باین شکل است که روز بروز مقامهای این کشور ها به ارادوی سوسیالیستی اردوبکر و روز بروز از اردوی امپریالیستی دورتر میشوند . شاید اسروز پاوان بصوب آتش و خون ، مثلا قیام مردم سمت دومینیك را سو کوب کرد یا جنبش مردم کنگو را بعقب انتپنی واداشت . ولی این سیاست مسلما در آینده با شکست مواجه خواهد شد ، کما اینکه هم اکنون در وینت نام با شکست مواجه شده است .

مقاومت در همه جا

سیاست تجاوز کارانه دولت جانسون خشم و نفرت ملت های سراسر جهان را برانگیخته است . تظاهرات اعتراض آمیز وسیعی که در بسیاری از کشور های جهان ، در برابر سفارت خانه های امریکا بعمل آمد ، گواه روشنی بر این معنی است . ولی اعتراض مستمر بیکدور های خارج نیست . در خود امریکا نیز مخالفت با سیاست تجاوز کارانه دولت جانسون روز بروز وسعت میگیرد . این اعتراض مخصوصاً در محافل دانشگاهی و علمی امریکا تظاهر میکند . در هفته‌های اخیر جانسان مصدری به بیشتر هزار ها دانشجو دانشیار و استاد دانشگاه برای بحث در سیاست خارجی جانسون تشکیل شده است . مجله «نیوز ویك» مینویسد : «مدتی این جلسات تعدیل سیاست جانسون در ویتنام است و تاکنون در بیش از ٥٠ منطقه دانشگاهی از دانشگاه هاروارد گرفته تا دانشگاه کالیفرنیا جلسات جانسان تشکیل شده است . افراد برجسته ای مانند پروفسور مورگن تاو با صراحت مخالفت خود را ابراز کرده‌اند

بقیه از صفحه ۸

رویداد ها و تفسیر ها

« هایدلبرگ » و « دورتموند » انعقاد یافت . در جلسات بیش از ٨٠٠ زن از سراسر جهان و از جمله ایران ، با عقاید گوناگون که عده کثیری از آنان زنان کاتولیك بودند شرکت کردند . در جلسه‌ننامه در شهرها مبورگ که روزهایم خرداد برگزار شد پس از بحث در اطراف اوضاع ایران، نامه‌ای بسفارت ایران دوکانی فرستاده شد که ماعتن آنرا میآ بنظر خوانندگان عزیز خود میرسانیم .

« بسفارت شاهنشاهی ایران در کلنی »

آقایان محترم

بنا به تصمیم سازمان ملل متحد که سال ١٩٦٥ را سال همکاری بین‌المللی اعلام نموده است امروز در شهرها مبورگ ، کنفرانس بین‌المللی زنان با شعار : خلع سلاح - مبارزه با فقر و گرسنگی ، مذاکره و صلح انعقاد یافت .

در این کنفرانس ما از سرنوشت ۹ دانشجوی ایرانی که برای گرفتن افراد شکنجه میشوند ، اطلاع یافتیم . ما میدانیم که تاکنون عده زیادی از ایرانیان به علت مبارزه در راه صلح ، دموکراسی و حقوق خود طاقاها اعدام شده اند . از اینجهت ما آزادی فوری این دانشجویان را طلب میکنیم تا بتوانند در یك دادگاه عادی آزادانه از خود دفاع کنند » .

لاف تازه شاه در تحریف

شاه درمصاحبه تلویزیونی خود دیروز بسه‌اقوال سفلیه ، مفسر فرانسوی شین موافقیرس های همیشگی خود در باره نتایج « انقلاب سفید » لاف تازه‌ای میزند که‌مدتها دیگر لافهای شهریاری واقعا در شاهنشاهی ایران است ! وی میگوید : « در ایران ما ، اکنون رابطه

بقیه از صفحه ۵

نهالهای سرزمین غم

عصبیت ، بی‌صلحی و افراج جراحات اخلاقی در ایران زیاد است زیرا شاه از یاد میبرد که در سالهای دور که کی جست ، در روستاها و شهرها ایران غالبا مالم مجبور است که کار کند . قدرت تغذیه منظم وجود نداره و مسئله تربیت صحیح و مرتب کودکان بهیچوجه مطرح نیست . کودك گرسنه و بی سرپناه که رژیم کودکی سخنی را میگفتارند از همان روز های اول زندگی در این ضربات موحش اجتماع قرار میگیرد . کودك بزودی باید تمامی بیرحم و دغل رویرو میشود که در کمین خبر کردن هر کسی است که بقدارته کافی پولدار ، قاهر و خدمه‌گر نباشد . این محیط هرگونه مقاومت روحی را در کودك بوجود میشکند و او را بیاس وضعف و خجلت بیمارو و سرسپردگی و درماندگی میکشاند . یالوا بزرگوانی : خدمه‌گری و تملق تاثرا و میدارد . بیدا است که دیرتر ، این عناصر در مقابه با مجهول ، چگونه میتوانند در جامعه تلقی شایسته خود را بازی کنند .

مسئله‌ئی برای سایرنها ماند وجود ایرانی فار و محرومیت هنوز یك جریان ضرور و مثمر تلقی میشود . بسیاری از هموطنان ما چنان نمیتوانند تصور کنند که چه تلفوت مقوی بین زندگی آنها و زندگی در کشور های مترقی وجود دارد .

ما مردم ایران قدرت آنرا داریم که این وضع را بلسرعت وطی مدتی کوتاه عوض کنیم . مقیوتاتیم در صورت داشتن نظام اجتماعی عادلانه وحکومتی ملی وسائل ولسوز طی در یا سه مدت کلیه شرایط ضرور و اولیه زندگی و پرورش را برای همه کودکان ایرانی فراهم سازیم و آنها را از مرگ زودرس ، از کار بیموقع از گرسنگی ، از بیسوادی ، از زندگی غیر صحی ، از تربیت نادرست نجات بخشیم . اینکار شدنی است. ولی برای وجود آوردن چنین محیطی باید مبارزه کرد . بمبارزه و مافرانت ایرانی اگر بسرنوشت کودکان خود علاقمندند نباید خاموش بنشینند . باید رژیمی را که ایجادمه محنت و مصیبت بوده آمده است دور کنند . بیاید دیگران بهورد و در خوردی را برای کودکان ایرانی آفریده . این کار وظیفه ما و مسئولیت مادر مقابل نسلی است که رشد میکند .

ا - فروزان

بقیه از صفحه ۵

تضاوت یك محقق خارجی در بارهٔ

نقش ایران در بیداری آسیا

«مسئله بیداری آسیا یکی از سوزانترین و میرمترین مسائل عصر حاضر است . در میان کشورهای آسیائی ایران میتوجب توجه ویژه است . این تحسین کشوری است که صلای جنگ علیه استبداد شاهان خود و علیه زور گوئی دمنشانه حکومتهای اروپائی که پشت سر این شاهان بودند، در داد . ایران پیشتاز کوچك آسیای بیدار شد ولی پیشتازی جسور که تا دل اردوگاه خصم جلو رفت وباوجود کوچکی خود هراسی در دل دشمن افکند، زیرا پس از وی عده سیصد میلیونی ... و سپس چین جهارصد میلیونی که در راه استقلال خود مبارزه میکنند ، در حرکتند . »

پروفسور بهمن اللاین روین آلمانغربی کشوری در برابر دشمنی در تاریخ شیروخیات از این تحقیق به میکشد!

تقویم مردم

خرداد ماه

۱ خرداد ۱۳۳۶

کمیسیون دادگستری مجلس ، حزب ایران را بعلت همکاری و اتلاف با حزب توده ایران در سال ۱۳۲۴ ، غیرقانونی اعلام نمود .

۹ خرداد ۱۳۲۴

نخستین اعتصاب کارگران نفت کرمانشاه تحت رهبری اتحادیه بخش محلی شروع شد . خواستهای کارگران : هشت ساعت کار در روز ، یکروز مرخصی درهفته ، مرخصی سالیانه باستفاده از حقوق ، افزایش دستمزد مزد ، برسمیت شناختن اتحادیه ها ، برابری مزد و شرائط کار باکارگران خارجی شرکت نفت . اعتصاب روز انگلیسیها درهم شکست و ۴۰۰ نفر از کارگران از مجموع ۹۵۰ نفر اخراج شدند .

۱۱ خرداد

روز اول ژوئن (۱۱ خرداد) درکشورهای دموکراتیك جهان بعنوان روز کودك شناخته شده است ، مبارزه بخاطر صلح ، مبارزه برای احقاق حقوق مادران ، مبارزه برای توسعه بهداشت و فرهنگ و بطور کلی مبارزه در راه بهبود زندگی کودکان از جمله شعارهای این روز بین المللی است .

۱۴ خرداد ۱۲۹۹

پس از استقرار رژیم شوروی در قفقاز جنبش رهائی بخش ملی در گیلان بسرعت توسعه یافت . جنگلیها که برهبری میرزا کوچك خان در جنگلهای فومن بسر میبردند جنگل را ترك کرده رشت و انزلی را اشغال نمودند .!

۱۵ خرداد ۱۲۹۹

در گیلان جمهوری اعلام شد . دولت موقت انقلابی و شورای جنگی انقلابی گیلان برهبری میرزا کوچك خان تشکیل یافت . برنامه دولت : استقرار جمهوری دراریان ، الغاء معاهدات تحمیلی ، مصونیت فردی و دارائی همه مردم ، برابری حقوق همه ملیها .

بامعاده میرزا کوچك خان ، بنام خلق که در گیلان حکومت را بدست گرفته بود نامهٔ تبنیت آمیزی به لنین ارسال گردید .

۱۵ خرداد ۱۳۴۲

در روزهای ۱۴ ـ ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ عظیم ترین تظاهرات ضد رژیم در سالهای پس از کودتا از طرف هزاران نفر از مردم تهران برگزار شد . تظاهرات مردم از طرف نظامیان شاه وحشیانه بخون کشیده شد . قریب ۲۰۰۰ نفر در این تظاهرات بقتل رسیدند .

۲۱ خرداد ۱۳۳۰

آغاز اقدامات اجرائی «خلع ید» علیه کمپانی نفت جنوب .

۲۳ خرداد ۱۲۸۸

ورود قوای قدائی گیلان و بختیاریها بتهران

۲۳ خرداد ۱۳۳۸

۲۰۰۰۰ کارگر کوره پز خانه های تهران برای بهبود شرایط کار خود دست بانتصاب همگانی زدند . بلافاصله مأموزین انتظامی و نیروهای انداعی شهربانی و سازمان امنیت برای سرکوب آنان صف کشیدند و از کارگران کشتار بیرحمانه ای نمودند . در همین دوران نیز ۲۰۰۰ کارگر کارخانه وطن اصفهان نیز برای اضافه دستمزد اعتصاب کردند .

۲۵ خرداد ۱۳۳۸

رفیق علوی عضو کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران بدست دژخیمان شاه تیرباران شد .

۳۰ خرداد ۱۲۹۹

کنگره حزب عدالت در انزلی تشکیل شد . نام حزب را به حزب کمونیست ایران بدل کرد . برنامه حد اقل حزب که بتصویب کنگره رسید شامل نکات زیرین بود : اخراج امپریالیستهای انگلیس از ایران ، الغاء معاهده اسارت آور ایران و انگلیس ، واژگون ساختن سلسلهٔ قاجار و الغاء رژیم سلطنتی ، محدود کردن قدرت خانها و فئودالها ، استقرار جمهوری خلق در ایران ، ایجاد حکومت دموکراتیك و ارتش خلق ، دعوت مجلس مؤسسان بر پایه انتخابات ، کنگره تصمیم گرفت از میرزا کوچك خان پشتیبانی کند .

خرداد ۱۳۳۲

تشکیل نخستین اتحادیه های دهقانی در اطراف تهران و در برخی استانها بویژه آذربایجان. این اتحادیه ها بهمت و فعالیت اعضاء حزب توده ایران متشکل گردید و بزودی به نیروی دهقانی وسیع و مبارزی مبدل شد .

جنبش دفاع
از روشنفکران ایرانی

خشم و نفرتی که مردم ایران را از توقیف و شکنجه هدف غیر از فارغ التحصیلان ایرانی فرا گرفت بلافاصله به اقدامات عملی برای نجات قربانیان جدید رژیم کودتا از چنگال نژادپرستان منجر شد . بویژه در خارج از کشور با استفاده از آزادیها و امکانات نسبی تمام امور های ملی ، سازمانهای سیاسی و سازمانهای دانشجوئی ایرانی بفعالیت شدیدی پرداختند . بجرأت میتوان گفت که چنین جنبش وحدتی ـ که افکار عمومی کشورهای خارجی را هم در برمیگیرد کم سابقه بوده است . ما در زیر فقط خلاصه ای از این فعالیتها را باطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم .

در شکستهای کمیتهٔ دفاع از زندانیان بشرکت شخصیتهای برجسته علمی واجتماعی پیرامت برتراندراسل فیلسوف معروف و رجل برجسته صلحدوست تشکیل شده است . موسسهٔ صلح برتراندراسل نیز جداگانه طی تلگرافی بسوات کیو له امضای برتراندراسل نمایندگان مجلس عوام و یك نماینده مجلس اردنها علی نامه‌های پارلمانی ایران بتوقیف و شکنجه زندانیان اعتراض کرده‌اند. تلویزیون گرانادا وابسته به‌تلویزیون مستقل انگلستان طی برنامه ای یازده ای از واقعیات مربوط بفریب فارغ التحصیلان را پخش کرد . دراثر فعالیت دانشجویان ، و سازمانهای دانشجویان ایرانی بسیاری از روزنامه های انگلستان مطالبی در باره رژیم کودتا و نیز خواستهای زندانیان سیاسی درج کرده‌اند

در فرانسه چهل نفر از برجسته‌ترین شخصیتهای ادبی ، هنری اجتماعی فرانسه ازجمله پیکاسو ، ژان پل سارتر، سیمون دوبووار، فرانسوا موریاك، لوئی آراگون و الازاموئه طی اعلامیه ای بگرانی خود را در باره شکنجه زندانیان و شهادت مربوط بقتل پرویز نیکخواه اعلام داشته‌اند. از همین شخصیتها کمیتهای برای دفاع از زندانیان سیاسی تشکیل شده است .

در آلمان غربی انجمن حقوق دانان شهر وایزبروکن آلمانگرب خود را برای دفاع از متهمان اعلام کرد ، همچنین یکی از کلای منافع آلمانی مقیم موتیخ آلمانگرب خود را برای خدمت به ایران و کمك بدفاع از متهمان اعلام داشته است .

در پاریس کمیتهٔ دفاع از روشنفکران زندانی مرکب از شخصیتهای برجسته فرهنگی و اجتماعی بریاست آقای ادی شدایین رئیس کمیتهٔ دفاع از حقوق بشر تشکیل شده است .

سازمانهای بین‌المللی: دفتر فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر در تاریخ ۱۰ مه طی نامه‌ای به نخست وزیر ایران از شایعات مربوط بشکنجه متهمان و احتمال قتل یکی از آنان ابراز نگرانی کرده و مسامحه آزاد و علنی آنها را خواستار شده است . سازمان عفو بین‌المللی در اول مه طی نامه‌ای و در ۲۰ مه طی تلگرافی به نخست وزیر ایران محاکمه علنی متهمان واعزام یکنفر ناظر را بخاطر خود خواستار شده است .

سازمانهای دانشجویان ایرانی : کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی طی اعلامیه‌ها و پیامهای متعددی بتوقیف و شکنجه فارغ التحصیلان ایرانی ـ که برخی از آنان از اعضاء برجسته سازمانهای دانشجویان ایرانی در خارج ازکشور بوده‌اند ، اعتراض کرده‌است. کنفدراسیون کشورهای دفاع از فارغ التحصیلان زندانی را تشکیل داده و خواستار بازجوئی و بحقوق نشریه این کمیته انتشار میدهد . در ۱۸ مه تظاهرات اعتراض آمیزی در وینیپگ بشرکت ۵۰ نفر از دانشجویان ایرانی که از شهر های مختلف آلمان غربی گرد آمده بودند و همچنین ۴۰۰ نفر از دانشجویان آلمانی برگزار شد . در شهر های دیگر آلمان غربی از جمله در بن ، دارمشتات ، کیسن ، آخن و هامبورگ نیز تظاهراتی صورت گرفته است . بسیاری از این تظاهرات با پشتیبانی و شرکت دانشجویان و سازمانهای دانشجوئی آلمان غربی برگزار شده است . روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون آلمان غربی جریان این تظاهرات را منعکس کرده اند .

دانشجویان ایرانی در بروکسل (بلژیك) در ۶ مه در سفارت ایران، ۲۴ ساعت اعتصاب غذا کردند . روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون بلژیك جریان این اعتصاب غذا را انتشار دادند .

در ایتالیا دانشجویان ایرانی مقیم فلورانس دروز ۶ و ۷ مه ـ در محل دانشگاه اعتصاب غذا کردند . دانشجویان ایرانی مقیم بوهم روز ۱۹ تا ۲۱ مه ، در محل اتحادیه ملی دانشجویان ایتالیا اعتصاب غذا کردند .

اکثر روزنامه‌های معروف ایتالیا جریان اعتصاب غذا و همچنین مصاحبه مطبوعاتی سازمان دانشجویان ایرانی را درج کردند .

در اثر فشار سازمان دانشجویان ایرانی در کراکس مصاحبه مطبوعاتی تشکیل داده و سازمان دانشجویان ایرانی دوبین اعلامیه‌ای بزبان آلمانی انتشار داده است .

در آمریکا دانشجویان ایرانی مقیم کالیفرنیای جنوبی بمدت سه روز اعتصاب غذا کردند . در ۱۳ مه مارش بزرگی بمسافت ۶۰ میل ازسان خوزه‌تاسانفرانسیسکو انجام گرفت که در رابرت کنندگی ایران بمنظور پشتیبانی بنظر گرفته شد .

سازمان دانشجویان ایرانی درآمریکا طی تلگرافی بر لیبی جمهوری آمریکا ـ پیامی به آزادیخواهی آمریکا و تلگرافی به برتراند راسل خواستار اقدامات جدی برای آزادی فارغ التحصیلان زندانی شده‌اند. دانشجویان ایرانی مقیم نیویورك همکنام ورود شاه در فروردماه تظاهر کردند و تظاهرات خود را در تمام مدت اقامت شاه در این شهر ادامه دادند .

سازمانهای دانشجویان خارجی : بسیاری از سازمانهای دانشجوئی خارجی با دانشجویان ایرانی ابراز همبستگی کرده و طی نامه‌ها ، اعلامیه‌ها وتلگرافهای بمقامات دولتی ایران ومجامع بین‌المللی خواستار آزادی فارغ التحصیلان زندانی شده‌اند . از این جمله‌اند :

اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه : فدراسیون دانشجویان سیاهپوست در فرانسه ، اتحادیه دانشجویان مغربی شمال افریقا، اتحادیه ملی دانشجویان الجزیره‌ای، اتحادیه دانشجویان عرب در فرانسه ، سازمان ملی دانشجویان مراکش ، جنبش دانشجوئی طرفدار وحدت افریقا ، فدراسیون دانشجویان افریقائی در الجزیره ، اتحادیه دانشجویان قبرس ، اتحادیه دانشجویان عراقی، شورای سازمانهای افریقائی ، سازمان دانشجویان افریقای غربی ، اتحادیه دانشجویان آلمان غربی ، اتحادیه ملی دانشجویان ایتالیا ، سازمان دانشجویان [redacted] فلورانس ، فدراسیون جوانان سوسیالیست ایتالیا ، اتحادیه دانشجویان دمکرات مسیحی ایتالیا ، فدراسیون جوانان جمهوریخواه ایتالیا ، فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا، اتحادیه دانشجویان بلژیك، اتحادیه دانشجویان مراکش در بلژیك ، اتحادیه عمومی دانشجویان لیبی در اروپا ، اتحادیه دانشجویان پرتقال خارجنشین، اتحادیه دانشجویان یونانی در بلژیك، اتحادیه دانشجویان هائیتی در بلژیك وتمام سازمانهای دانشجوئی آلمانی وخارجی درآلمان‌فکرات آلمان غربی) .

چنین است خلاصه ای از چگونگی فعالیت جنبش دفاع از فارغ التحصیلان زندانی ، با بهمه مبارزان راه آزادی ایران ، بهمه دانشجویان میهن‌پرست ایرانی که بخاطرنجات قربانیان جدید رژیم کودتا چنین جنبش عظیمی را بوجود آورده اند درود میفرستیم . ما از همه مردم آزادیخواه جهان و از همه سازمانهای دانشجوئی و اجتماعی ملی و بین‌المللی که با ملت ایران و فرزندان مبارزش نیز همبستگی میکنند سپاسگذاریم . ما از تمام هواداران آزادی و عدالت و قبول از همه ما ایرانیان مقیم خارج از کشور دعوت میکنیم که مبارزه عادلانه خود را باز هم گسترش دهند ، و وحدت عمل خود را باز هم عمیق‌تر کنند . باشد که به نیروی این جنبش اسیران رژیم کودتا آزاد شوند ، ضربت جدیدی بپیکر دستگاه پلیس وارد آید و بایعهای جنبشی وسیع‌تر ، عمیق‌تر و مصمم‌تر برای آزادی کامل ملت ایران از اسارت رژیم کودتا فراهم گردد .

بقیه در صفحه ۷

در باره یك خبر مجعول

در شمارهٔ فروردین‌ماه ۱۳۴۴ مقدمه «سوسیالیسم، ارگان « جامعهٔ سوسیالیستهای ایرانی در اروپا » صفحه ۳ تحت عنوان «تغییر روسی همزیستی مسالمت آمیز» خبری بنام خبر گزاری تاس درج شد دائر بر اینکه گویا خبر گزاری تاس بمناسبت روز ۱۶ فوریه (که معلوم نیست چه مناسبتی است) اطلاعیه داده و قرآن اعلامیه سیاست خارجی ایران ، « سیاست بیطرفی مثبت و همکاری با کلیه ملل صلحدوست » وطرفداری از « ایجاد منطقهٔ غیر اتمی در نواحی مختلف جهان» و خلع سلاح کامل و صلح جهانی ، خوانده وگفته است که این سیاست «از نظاهم کامل اتحاد شوروی بر خوردار است . . . ما این «خبر» را جزء تبلیغات و تلاشهای اروپائی علیه شوروی و علیه شوده‌های معاهده سوسیالیسم و صلح ، شمردیم و در خبر اصلا تعجب نکردیم . اخیراً روزنامهٔ « ایران آزاد » ارگان سازمانهای جبهه ملی در اروپا در شمارهٔ خرداد ماه طی مقاله ای به این خبر مجعول اشاره و استفاده کرده است . کنجکاوی اخبار منتسب به یك خبر گزاری خارجی وظیفه ما نیست ولی از آنجا که معامله « سوسیالیسم » روزنامه مردم را نیز مورد سئوال قرار داده ، میرفتیم از بابت این طرز عمل ما پاسخ میدهیم . آنچه که ما میخواهیم در این زمینه بگوئیم آنستکه حزب توده ایران سیاست دولت ایران را سیاست شرکت در پاکوکهای تجاوزکارانه تبعیت از امپریالیسم میداند . یعنی سیاستی که ماهیتاً مخالف صلح ، مخالف دوستی ملتهاست و ضد ملی

بقیه در صفحه ۷

رویدادها و تفسیرها